



بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

لیلا کلانتری دهقی^۱، دکتر ایرج ساعی ارسی^۲، دکتر ساسان ودیعه^۳

چکیده

زمینه: دنیای امروز توسعه یافتگی را در ابعاد چندجانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌کند. شاخص توسعه انسانی به عنوان بخش حائز اهمیت توسعه بر بستر وجودی عواملی شکل می‌گیرد که یک عامل مهم آن شاخص آموزش است که توازن در توزیع آن به عنوان یکی از شرایط مستعد بستر ساز توسعه در هر جامعه است. هدف: هدف از انجام این تحقیق مقایسه شاخص آموزش در میان استان های کشور و اکتشاف عوامل مؤثر بر عدم توازن سطح شاخص آموزش و طراحی پارادایم شاخص توسعه انسانی در بین استان های کشور است.

روش: تحلیل توصیفی-مقایسه ای شاخص آموزش و شاخص توسعه انسانی میان استان های کشور و استفاده از روش اکتشافی، داده های کیفی به دست آمده از مصاحبه ها، از روش نظریه داده بنیاد و با استفاده از نرم افزار **Maxqda** تجزیه و تحلیل گردید و جهت دستیابی به پارادایم عدم توازن سطح شاخص توسعه انسانی کدگذاری ها صورت پذیرفت.

یافته ها: بررسی ها نشان می دهد شاخص آموزش عامل مؤثر و بنیادین در دستیابی به توسعه انسانی و در نهایت توسعه کشور است و در توزیع شاخص آموزش میان استان های کشور توازن وجود ندارد. در نهایت پنج عامل عدم توازن شاخص توسعه انسانی شناسایی شده است که شامل: امکانات آموزشی، امکانات بهداشتی و رفاهی، برنامه ریزی نامناسب، توسعه نامتوازن و فقر اقتصادی می باشد. بنابراین این عوامل موجب شکل گیری و تحقق توسعه انسانی خواهند شد.

نتایج: عدم توازن در توزیع شاخص های آموزش به عنوان عامل بنیادین توسعه انسانی در میان استان های کشور یکی از موانع بزرگ توسعه محسوب می شود. باید از طبقاتی بودن شاخص آموزش فاصله گرفت و در دسترسی آحاد جامعه به شاخص آموزش و توسعه انسانی توازن برقرار گرفت.

کلمات کلیدی: شاخص توسعه انسانی، شاخص آموزش، عدم توازن، برنامه پنجم توسعه، عدالت آموزشی.

^۱ دانشجوی دوره دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران Leila_kl@yahoo.com

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول) saiearasi@gmail.com

^۳ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. s.vadiea5@gmail.com

مقدمه

این مقاله به دنبال شناسایی و مقایسه شاخص آموزش در میان استان های کشور بر اساس عملکرد برنامه پنجم توسعه است. برنامه توسعه یکی از محوری ترین اسنادی است که با هدف تبیین مسیر حرکت کشور در سال های اجرایی برنامه نگاشته می شوند. البته هم در حوزه برنامه ریزی و هم در حوزه عمل این برنامه ها با چالش های بسیاری مواجه بوده که موجب شده بسیاری از احکام نیز به کلی قابلیت اجرا نداشته باشند. توسعه در واقع به معنای تمامی عوامل مؤثر در بهبود شرایط زیستی است که کلیه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را شامل می شود. توسعه متعادل و متوازن مناطق یکی از اصول مهم و برجسته ای است که در کشور ما چندان پررنگ نیست، اما زیرساخت اساسی است برای دستیابی به پایداری اقتصادی و پیشرفت یکپارچه کشورها. ساماندهی فضایی رابطه بسیار نزدیکی با الگوهای رشد و توسعه اقتصادی از یک طرف و از طرف دیگر با الگوهای کالبدی- فضایی دارد. آموزش به عنوان یکی از عوامل مؤثر در توسعه کشورها جزء لاینفک پیشرفت یک کشور طی ادوار تاریخ بوده است. یکی از شاخص های مهم در سطح بندی وضعیت شاخص های آموزشی با تأکید بر نابرابری ها، منطقه جغرافیایی افراد می باشد و اینکه افراد در کجا زندگی می کنند در برخورداری از شاخص آموزش حائز اهمیت است. چراکه اغلب، نابرابری های مرتبط با فرصت های برابر آموزشی نتیجه محدودیت های موجود در منطقه زندگی افراد است (Sameri et al., 2015:106). در کشورهای در حال توسعه، برابری افراد در برخورداری از عوامل توسعه محسوس است هرچند که در سال های اخیر، دولت نگاه متمرکزتری نسبت به توسعه مناطق مختلف در اقتصاد ایران و اجرای سیاست های منطقه ای آن، داشته است، به طوری که این موضوع در برنامه ریزی های کشور، به ویژه در برنامه چهارم و پنجم توسعه مورد تأکید قرار گرفته است (Nazmfar et al., 2019:28).

تجربیات سال ها مطالعه در امر توسعه نشان می دهد برابری آموزش و پرورش در بسیاری از اسناد حقوقی بین المللی ارزش گذاری و ثبت شده است. برابری در آموزش نه تنها به این دلیل که می تواند تولید سرمایه انسانی را بهبود بخشد، بلکه به بخاطر اینکه فرصت ایجاد عدالت را در سیستم های اقتصادی- اجتماعی ارائه می دهد، اهمیت پیدا می کند (Xiang et al., 2020:91). لازم به ذکر است در اسناد بالادستی ایران، همچون سند نقشه جامع علمی کشور نیز ایجاد فرصت های برابر آموزش مادام العمر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. گام اول برای ایجاد فرصت های برابر آموزشی، شناخت نابرابری های موجود این حوزه در بستر جامعه است. چراکه ارزیابی میزان نابرابری در آموزش، از آن جهت مهم تلقی می شود که وجود نابرابری، منجر به کاهش بهره وری می گردد (Chapbook et al., 2021:252).

برخورداری یکسان همگان از آموزش و پرورش برابر یا همان عدالت آموزشی به این معنی است که هرکس در داخل نظام آموزشی فرصتی برابر و مساوی داشته باشد. از طرفی فراهم کردن شرایط مساوی برای دستیابی به فرصت های آموزشی از منظرهای مختلف به ویژه از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت است (Rafati et al., 2019:57). نتایج مطالعات مختلف نشان می دهد که نابرابری در سیستم آموزش و پرورش یکی دغدغه ها و چالش های اصلی در زمینه توسعه یافتگی مناطق می باشد (Poorsaeid et al., 2012; Rahimi et al., 2016; Rahnamaei & Pourkhodadad, 2016; Maleki et al., 2014; Vaisinab et al., 2016). البته شکاف

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

بین گروه‌های نژادی دانش‌آموزان که ناشی از نابرابری منطقه‌ای است، یک پدیده طبیعی نیست و شکاف‌های طبیعی در توانایی دانش‌آموزان را منعکس نمی‌کند (mizrav,2021:2). همواره برنامه‌های توسعه در دوره‌های مختلف اگرچه بر نوشتار به بُعد آموزش توجه زیادی داشته است، اما متأسفانه به علت‌های مختلفی از جمله خلف وعده دولت در اجرای آن‌ها، نبود اعتبارات لازم و عدم هماهنگی برنامه سنواتی مصوب مجلس با برنامه توسعه نتوانسته است خواسته‌های اصلی نظام تعلیم‌یاب را محقق سازد. در دسترس نبودن آمار و عدم استفاده از محققان و برنامه‌ریزان دانشگاهی شاید یکی از دلایل دیگر عدم توفیق در حوزه اجرایی این برنامه‌ها در آموزش و پرورش باشد؛ و مهم‌ترین مسئله نگاه سیاست‌گذار به حوزه آموزش عمومی خصوصاً دوره‌های ابتدایی و متوسطه از نگاه مصرفی به نگاه تولیدمحور است. تغییر نگرش در این دیدگاه در سطوح بالای مدیریتی و در سطوح برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه و همچنین در حوزه قانون‌گذاری مجلس می‌تواند تأثیرات شگرفی در دستیابی به اهداف تعیین‌شده توسط برنامه‌های توسعه داشته باشد. در این مقاله به دنبال پرسش این پاسخ هستیم که شاخص آموزش در شاخص‌های توسعه انسانی برنامه پنجم شامل چه مقوله‌هایی می‌شود؟ در این سال‌ها چه روندی را طی کرده و توازن در توزیع این شاخص مهم در میان استان‌ها داشته است؟

ادبیات تحقیق

توسعه فرآیندی چندبعدی است که در اثر تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد، که هم جنبه عینی و مادی و هم جنبه ذهنی زندگی افراد را در بر می‌گیرد و وقتی بستر خوبی برای زندگی خوب را فراهم می‌آورد که جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی را منفک نبیند. کشورهای درحال توسعه همگی تلاش دارند به اهداف مشترکی از قبیل تأمین امکانات اقتصادی، بالا بردن سطح زندگی، کاهش فقر، کاهش بیکاری و نابرابری، تأمین امکانات بهداشتی، آموزشی و بهبود کیفیت زندگی دست یابند. مفهوم توسعه انسانی، اولین بار توسط محبوب‌الحق، کیت گریفین، تری مکنلی و آمارتیاسن در سال ۱۹۹۰ مطرح شده است. قبل از دهه ۱۹۷۰، درآمد سرانه هر کشور به‌عنوان شاخص پیشرفت اجتماعی و توسعه سطح زندگی در نظر گرفته می‌شد. مفهوم توسعه‌یافتگی نخست به معنای نرخ رشد اقتصادی تعریف شد، اما با گذر زمان به کاهش یا از میان بردن فقر، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی و تغییرات اساسی در حمایت از جامعه در مسیر توسعه تعریف می‌شود. منابع انسانی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را به وجود می‌آورند و باعث شکل‌گیری توسعه ملی می‌شود (Weru et al.,2017).

برای سنجش میزان توسعه انسانی هر کشور، از شاخص توسعه انسانی^۴ استفاده می‌شود. شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است که سه بُعد اساسی زندگی، یعنی دسترسی به امکانات لازم برای کسب دانش، برخورداری از عمر طولانی و زندگی سالم و رسیدن به سطح استاندارد زندگی، را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص، همه‌ساله از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۵ منتشرشده، به‌مرورزمان مورد جرح‌وتعذیل قرار گرفته و اینک به‌عنوان یک شاخص

^۴ HDI: Human Development Index

^۵ UNDP

مقبول بین‌المللی برای سنجش سطح توسعه جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین به‌طور خلاصه شاخص توسعه انسانی سه بُعد از زندگی را دربر می‌گیرد: زندگی طولانی و سالم، دانش و سطح استاندارد زندگی. بر اساس نظریه رشد درون‌زا رشد تولید در کشور به علت نیروهای درون یک کشور و نه خارج از آن رخ می‌دهد. طبق نظریه مذکور سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و رشد خلاقیت و نوآوری در آموزش اثر قابل‌توجهی در توسعه یک کشور دارد. فرایند به این شکل است که با اثرات جانبی مثبت و سرریز حاصل از یک سیستم دانش‌بنیان رشد و توسعه درون‌زا در یک کشور شکل می‌گیرد. این نظریه ادعا می‌کند توسعه بلندمدت یک کشور به سیاست‌های تشویق علم بستگی دارد (Romer, 2001: 231).

گزارش توسعه انسانی که از سوی سازمان ملل منتشر می‌شود، دربرگیرنده ۳۳ جدول و ۲۰۰ شاخص است. نرخ امید به زندگی در کودکان زیر پنج سال، نرخ باسوادی، دسترسی به آب سالم، تبعیض میان زنان و مردان، نداری و فاصله طبقات اجتماعی، تغذیه ناسالم و... همه از متغیرهایی است که در شناساندن جایگاه توسعه انسانی هر کشور نقش دارد. ولی محور همه این متغیرها، سه شاخص بنیادی است. به سخن دیگر، برای برآورد شاخص توسعه انسانی، اقتصاددانان سه شاخص مهم را که از دید ایشان بخش بزرگی از واقعیت‌های اقتصادی در آن‌ها نهفته است، به کار می‌گیرند (احمدوند و امیری، ۱۳۸۸: ۵-۱۵). این سه شاخص عبارت‌اند از: زندگی طولانی همراه با تندرستی، دسترسی به دانش و یک استاندارد شایسته زندگی. در گزارش‌های گذشته سازمان ملل متحد این شاخص‌های بنیادی، با امید به زندگی به هنگام تولد، نرخ باسوادی بزرگسالان و نرخ ترکیبی نام‌نویسی ناخالص در دوره‌های گوناگون آموزشی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) و تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری می‌شد، ولی در سال ۲۰۱۰، شاخص‌های اندازه‌گیری دسترسی به دانش و استاندارد شایسته زندگی در گزارش‌های UNDP دگرگون شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸: ۳۴-۳۵).

در محاسبه جدید، شاخص دسترسی به دانش با دو شاخص زیر برآورد می‌شود: الف) میانگین سال‌های آموزش بزرگسالان که میانگین شمار سال‌های آموزش در زندگی ۲۵ ساله‌ها و بالاتر است. ب) امید به تحصیل بچه‌های در سن ورود به مدرسه که شمار سال‌های انتظار تحصیل در سن ورود به مدرسه است. با توجه به اثرگذاری توسعه آموزشی در توسعه کشورها ضرورت دارد که کم و کیف اثرگذاری آموزش در سطوح مختلف توسعه بررسی شود. با توجه به روند پرشتاب کشورها در امر توسعه و ارتباط آن با سیاست‌های آموزشی در سطح عمومی تقویت سرمایه‌های انسانی در کنار سرمایه فیزیکی و مادی اهمیت و ضرورت دارد. بررسی تجربیات کشورهای جهان در سطوح مختلف توسعه و آموزش در همین راستا حائز اهمیت است. وجود آخرین اندیشه‌ها و تئوری‌های نظریه‌پردازان نیز حاکی از آن است که آموزش محور اساسی و گام اول برای دستیابی به یک توسعه سالم، پایدار و همه‌جانبه است. از این رو بررسی رابطه متقابل توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با نظام آموزشی امری است که در سال‌های اخیر مورد توجه و بررسی‌های دقیق محققان قرار گرفته است (Gupta, 2017; Sakharopoulos, 1994; Woodhall, 2004; Kennedy, 2016; Barro, 2010; Zhang & Zhuang, 2011; Ganegodage, 2014).

اثرات عدم توازن در شاخص آموزش

امروزه عدم توازن، یکی از برجسته‌ترین مقوله‌ها در زمینه آموزش است. نگاهی به تاریخچه آموزش و پرورش و تغییر و تحول در این ساختار نشان می‌دهد که آموزش و پرورش تا دو قرن پیش در جهان ماهیتی طبقاتی داشته و ثروتمندان و طبقات بالای جامعه آموزش و پرورش را در انحصار خود داشتند و با لابی‌گری فرزندان خود را تحت

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

آموزش‌های خاصی قرار می‌دادند و آن‌ها را با آموزش در معرض مسئولیت‌های خاص در جامعه آماده می‌ساختند (غفاری اسمعیلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۵). مسئله توازن یا عدم توازن در نظام آموزشی را می‌توان از سه دیدگاه بررسی و مطالعه کرد؛ اول از نظر دسترسی یا برخورداری از آموزش، دوم از نظر منابعی که به‌عنوان نهاده‌های نظام در اختیار نظام آموزشی قرار گرفته‌اند، نظیر هزینه سرانه، نسبت معلم به دانش‌آموز و امکاناتی که در اختیار مدرسه قرار می‌گیرد. سوم از نظر عملکرد نظام آموزشی که با شاخص‌هایی نظیر نسبت مردودین به قبول‌شدگان، نرخ ارتقای علمی، نرخ اُفت تحصیلی و سطح نمرات مورد سنجش قرار می‌گیرد (Motavaseli & Ahanchian, 2011: 32). بر اساس نظریه‌های توازن در دسترسی به آموزش، چهار جنبه جهت تعریف برابری آموزشی عنوان شده که عبارت‌اند از: برابری دستیابی رسمی، برابری شرایط، برابری شرکت و برابری نتایج (Samons, 2010: 6). گریس^۶ معتقد است که از طریق سه دیدگاه برخورداری از منابعی به‌عنوان درونداد آموزشی، فرایندی آموزشی و عملکرد یا بازده نظام آموزشی، مسئله نابرابری‌های آموزشی را می‌توان مورد مطالعه قرارداد. لازم به ذکر است نظریه برابری آموزشی در جوامع مدرن، از نظرات راولز^۷ گرفته‌شده که مطابق با این دیدگاه‌ها سه اصل در زمینه برابری فرصت‌ها در سیستم آموزشی شامل؛ الف- ایجاد امکانات و زیرساخت‌های لازم برای اقشار محروم؛ ب- فراهم کردن حداقل‌های سطح آموزش برای همه‌ی افراد جامعه و ج- فراهم کردن تسهیلات آموزشی برابر برای همه افراد واجد شرایط جامعه است. در رابطه با بحث نابرابری آموزشی و نقش آموزش پرورش در جوامع مدرن معمولاً دو رویکرد ساختاری-کارکردی و تئوری تعارض مطرح بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرد (Rafati et al., 2019).

پارسونز^۸ (۱۹۵۹) از نظریه‌پردازان رویکرد ساختاری-کارکردی معتقد است با توجه به تأثیر آموزش و پرورش بر قابلیت ایجاد فرصت‌های برابر که موجب تحرک اجتماعی نیز خواهد شد، از آموزش پرورش تحت عنوان برابر ساز بزرگ می‌توان یادکرد (Parsons, 2015: 298). با توجه به موارد فوق‌الذکر، در این رویکرد عدم توازن در آموزش و پرورش به‌نوعی پذیرفته‌شده بود، این نابرابری آموزشی را تحت تأثیر مواردی همچون متفاوت بودن استعداد افراد مختلف، نگرش‌های متفاوت دانش‌آموزان و حتی سطح متفاوت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مرتبط دانسته‌اند. از سویی دیگر، نظریه‌پردازان مختلفی از رویکرد تعارض از جمله کولینز^۹ (۱۹۷۱)، بوردیو^{۱۰} (۱۹۷۷)، آلتوسر^{۱۱} (۱۹۷۱) و ... بر این باورند که نقصان و کاستی در سیستم اجتماعی موجب شکل‌گیری گونه‌های مختلفی در سیستم آموزشی و اجتماعی خواهد شد و معتقدند که آموزش و پرورش از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای ایدئولوژیک دولت‌هاست و تنها در راستای منافع طبقه حاکم تلاش کرده و به‌نوعی به این طبقه خدمت می‌کند (غفاری اسمعیلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۹).

جانستون^{۱۲} (۱۹۹۰) در پژوهشی ابعاد برابری فرصت‌های آموزشی را شامل؛ برابری فرصت‌های آموزشی بین طبقات اجتماعی گوناگون یک جامعه؛ برابری جنسیتی فرصت‌های آموزشی بین دختران؛ برابری فرصت‌های آموزشی برای همه اقوام و نژادهای مختلف و برابری فرصت‌های آموزشی برای مناطق مختلف شهری و روستایی دانسته است (Esmaeil Soorkh, 2006: 107). براین اساس، یکی از موارد مورد بررسی در زمینه تأثیرگذاری بر ایجاد عدم

⁶ Gerese

⁷ Rawls

⁸ Parsons

⁹ Collins

¹⁰ Bourdieu

¹¹ Althusser

¹² Joneston

توازن آموزشی، برخوردار و یا غیر برخوردار بودن منطقه موردنظر و به عبارتی نابرابری منطقه است. در خصوص نابرابری‌های منطقه‌ای دو نظر متفاوت وجود دارد: بعضی از دانشمندان آن را مثبت و برخی از نظریه پردازان آن را منفی ارزیابی می‌کنند. گروه اول معتقدند که نابرابری‌های منطقه‌ای نتیجه منحصربه‌فرد بودن منابع و قابلیت‌های بعضی مناطق در مقابل سایر مناطق بوده و به عبارتی این نابرابری‌ها می‌تواند مزیت‌های رقابتی را برای آن‌ها فراهم نماید؛ اما گروه دوم، نابرابری موجود بین مناطق مختلف را به دلیل استفاده نادرست از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های مناطق می‌دانند (غفاری اسمعیلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰). لازم به ذکر است اگر نابرابری‌های منطقه‌ای حاصل در نتیجه تخصصی شدن کارها و فعالیت‌ها در یک منطقه باشد، می‌تواند مثبت باشد و به‌صورت مفیدی کارکرد داشته باشد (Kim, 2008: 32) اگر عدم توازن در سطح مناطق منعکس‌کننده تبعیض یا بی‌عدالتی باشد، تفاوت‌های منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان عامل تهدید در نظر گرفته شود. بنابراین، در واکنش به نابرابری‌های موجود، کوشش یک سیاست توسعه متعادل ناحیه‌ای، بر آن است که شرایط و امکانات بهتری را برای توسعه جامع همه نواحی فراهم نماید تفاوت‌های کیفیت زندگی بین ناحیه‌ای و درون ناحیه‌ای را به کمترین سطح ممکن برساند. بسیاری در این خصوص هم‌نظر هستند که از میان نهادهای موجود در جامعه فقط از طریق سیستم آموزشی است که می‌توان برابری را در جامعه ایجاد کرد و نابرابری منطقه‌ای را کاهش داد (Najjari & Hassani, 2019: 166).

جدول ۲- جدول مرور پیشینه تحقیق

پژوهشگر و سال	موضوع	یافته‌ها
نجاری (۱۳۹۷)	بررسی تحلیل نابرابری فرصت‌ها در دسترسی به آموزش عالی در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی	شاخص‌های آموزشی و شاخص‌های توسعه‌یافتگی جغرافیایی به ترتیب بیشترین و کمترین اهمیت را در پیشگویی نابرابری فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی بین شهرستان‌های استان آذربایجان غربی داشته‌اند. نتایج مبین نیاز مناطق کمتر برخوردار از دسترسی به آموزش عالی، به برنامه‌ریزی و توجه ویژه سیاست‌گذاران این حوزه به این نابرابری‌ها می‌باشد.
تربو و بصیرت (۱۳۹۵)	تأثیر هزینه‌های آموزش عمومی را بر توسعه سرمایه انسانی در فاصله ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ بر روی کشورهای منتخب	اثر متغیر مخارج دولت بر آموزش و پرورش در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر توسعه سرمایه انسانی مثبت و معنی‌دار است. همچنین رشد اقتصادی کشورها مرتبط با سرمایه انسانی سطح دانش و تخصص نیروی انسانی است.
هوشمند و همکاران (۱۳۹۲)	سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تأثیر آن بر رشد کشورهای در حال توسعه	نتایج این مطالعه بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه منتخب است مطابق نتایج پژوهش مذکور پایین بودن هزینه‌های آموزشی و در نتیجه نادیده گرفتن تأثیر آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر، از مهم‌ترین عوامل پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است
ژان، کیو و لیو (۲۰۱۹)	بهبود کیفیت، برابری و عدالت آموزشی در چین	قرار دادن سهمیه برای برخی از دانش‌آموزان می‌تواند بر کیفیت و برابری آموزش تأثیر بگذارد. آنان بیان کرده‌اند که برای بهبود کیفیت و برابری آموزشی باید تا جایی که می‌شود شرایط را برای دانش-آموزان متقاضی دانشگاه و دانشجویان یکسان کرد.

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

تسما و بریکن (۲۰۱۸)	بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای و تفاوت‌های جنسیتی در پیشرفت تحصیلی در اتیوپی	عملکرد دانش آموزان در مناطق مختلف اتیوپی، با توجه به تفاوت‌های گسترده بین مدارس در همه مناطق، ممکن است مداخلات سطح مدرسه راهی مؤثر برای بهبود فرصت‌های آموزشی و نتایج یادگیری باشد.
احمدی (۲۰۱۷)	بررسی نابرابری مدرسه‌ای بین مدارس متوسطه شهرستان ارومیه	بین انواع مدارس از نظر شاخص‌های مورد مطالعه منابع آموزشی، جو مدرسه وضعیت اجتماعی اقتصادی، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. همچنین، به‌طور متوسط دانش آموزان مدارس گزینشی وضعیت اجتماعی اقتصادی بالاتری نسبت به هم‌تایان خود در مدارس دولتی داشتند که می‌تواند بیانگر تأثیر وضعیت اجتماعی اقتصادی بر دسترسی به فرصت‌های آموزشی باشد.
ویسیناب و همکاران (۲۰۱۶)	ارزیابی و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی استان‌های منطقه زاگرس (ایلام، کرمانشاه، کردستان، لرستان و همدان)	به لحاظ شاخص آموزشی در قالب ۲۰ متغیر انجام دادند و گزارش کردند که شکاف توسعه‌ای شدید میان استان‌های منطقه به لحاظ شاخص آموزشی وجود دارد.
دربان آستانه و همکاران (۲۰۱۶)	بررسی شناخت و تحلیل فضایی نابرابری آموزشی بین شهرستان‌های کشور	شهرستان‌های مرزی کشور نسبت به مرکز دارای نابرابری در توزیع امکانات و بهره‌مندی از آموزش هستند و این نابرابری در شهرستان‌های جنوبی کشور نمایان تر است.
وانگ و شاشا (۲۰۱۶)	بررسی اثر آموزش و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در سطوح مختلف آموزشی با استفاده از داده‌های ۵۵ کشور طی دوره ۱۹۶۰-۲۰۰۹	در این پژوهش خصوصاً اثرات سطوح مختلف توسعه اقتصادی و برخی حوادث تاریخی لحاظ شد. نتایج بیانگر این بود که آموزش سرمایه انسانی تأثیر مثبت و بااهمیتی بر رشد اقتصادی دارد اثر مثبت آموزش عالی بر رشد اقتصادی نسبت به سایر سطوح تحصیلات بیشتر است.
نظم فر و علی بخشی (۲۰۱۵)	نابرابری فضایی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آموزشی	شهرستان‌های استان خوزستان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های آموزشی یکسان و برابر نبودند و تفاوت آشکار و محسوسی در میزان برخورداری از امکانات و فضاهای آموزشی در بین شهرستان‌ها وجود داشت.
صامری و همکاران (۲۰۱۵)	بین نابرابری‌های آموزشی مناطق ۲۴ گانه آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی با استفاده از تحلیل شاخص‌های آموزشی	شاخص‌های امکانات دانش‌آموزی دارای بیشترین و شاخص‌های امکانات فیزیکی دارای کمترین تأثیرات بر نابرابری مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی بوده‌اند. نتایج پیش‌بینی با استفاده از شبکه عصبی نشان داد، بیشترین تأثیر را بخش شاخص‌های اقتصادی و کمتری ن تأثیر را شاخص نیروی انسانی در پیشگویی نابرابری مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی داشته‌اند.
حسنا و کوریب (۲۰۱۵)	مقایسه بین تأثیرات رشد سطوح مختلف آموزش و سطوح	نتایج مدل‌های برون‌زا و درون‌زا نشان داد که آموزش هردو جنسیت زن و مرد اثر مثبت و معناداری در سه سطح آموزشی ابتدایی، راهنمایی و عالی بر رشد اقتصادی دارد. همچنین پژوهش‌های مذکور بیانگر این است که شکاف

جنسیتی کشورهای آسیایی	بهره‌وری جنسیتی وجود داشته و به همین دلیل کشورهای آسیایی از طریق سرمایه‌گذاری بر آموزش زنان سریع‌تر می‌توانند پیشرفت کنند
کیم (۲۰۱۵)	بررسی تأثیر توسعه سرمایه انسانی و آموزشی با توجه به مفهوم رشد درون‌زا
مرکانا و سزی (۲۰۱۴)	بررسی رابطه هزینه‌های آموزشی و توسعه کشور ترکیه طی دوره ۱۹۷۰-۲۰۱۲
بنوس و زوتو (۲۰۱۴)	بررسی تأثیر رشد آموزش بر مطالعات رشد آموزش

نتایج پژوهش حاکی از آن است که یک کشور با انتخاب و پذیرش سیاست مناسب با پژوهش و توسعه می‌تواند. د با سرعت بیشتری رشد کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سیاست‌های رشد درون‌زا که متکی به آموزش و خلاقیت نیروی انسانی است اثر بیشتری نسبت به مدل‌های رشد برون‌زا دارد.

رابطه مثبت بین آموزش و توسعه بوده است مطابق پژوهش‌های آن‌ها اختصاص بیشتر هزینه‌های آموزشی روند توسعه را تسریع می‌کند.

با استفاده از تحلیل متارگرسیون روی ۵۷ مطالعه نشان دادند که شواهد بازگوکننده رابطه مثبت و بسیار مشخص آموزش بر رشد هستند. هرچند آنان اظهار می‌دارند اولاً اثر آموزش بر رشد حقیقی در تمام مطالعات همگن نیست ثانیاً تنوع در ضریب آموزش تا حدی به سنجش آموزش مربوط است، ثالثاً تفاوت در میزان اثرات آموزش به مدل خاص استفاده‌شده و اطلاعات و خروجی‌های مطالعه مربوط است

کاهش نوع نابرابری‌های آموزشی در مرحله اول منوط به توزیع متناسب منابع و امکانات در نواحی مختلف و توان سیستم‌های آموزشی در ایجاد تغییرات اساسی برای کاستن از نابرابری‌های منطقه‌ای است. هرچند از میان برداشتن نابرابری فرصت‌های آموزشی دشوار و مستلزم اجرای برنامه‌های درازمدت بسیاری از مؤسسات و نهادها می‌باشد، اما قبول این واقعیت مانع از این نمی‌شود که اقدامات لازم در جهت بهبود فرصت‌های برابر دسترسی آموزشی صورت نگیرد.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر برای تحلیل داده‌های کیفی به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، از روش نظریه داده بنیاد یا زمینه‌ای و با استفاده از نرم‌افزار Maxqda تجزیه و تحلیل انجام می‌شود. در روش داده بنیاد محقق کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گردآوری می‌کند، پدیدار شود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۳-۳۴). در تحقیق حاضر نمونه‌گیری هدفمند بوده و سعی بر آن است که از متخصصان و صاحب‌نظران تمامی استان‌های کشور استفاده شود. جامعه هدف متخصصین و صاحب‌نظران حوزه اقتصاد، توسعه و برنامه‌ریزی و همچنین مدیران ارشد سازمان برنامه و بودجه کشور و استان‌ها می‌باشند و مجموع افرادی که با آن‌ها مصاحبه انجام گردید، ۴۲ نفر بوده‌اند که با توجه به متغیرهای جنسیت، تحصیلات، رشته تحصیلی، استان محل زندگی و سمت شغلی ویژگی‌های آن‌ها به انتخاب‌شده‌اند.

در تحلیل نظام‌مند نظریه داده بنیاد، محقق پس از گردآوری داده‌ها، کار تحلیل‌ها را شروع می‌کند و به‌واسطه آن، داده‌ها را در مقوله‌های اصلی شناسایی‌شده، کدگذاری می‌نماید. بعد از این مرحله، کدگذاری محوری مورد استفاده قرار می‌گیرد که به‌واسطه آن، محقق بر یکی از مقوله‌های شناسایی‌شده در کدگذاری باز تمرکز کرده و سپس به داده‌ها

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

بازمی‌گردد و مقوله‌های دیگری را در اطراف این مقوله محوری، سازمان‌دهی می‌کند. برای کشف نحوه ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر، محقق از پارادایم استفاده می‌کند. پارادایم سلسله روابطی است که در قالب مجموعه‌ای از ارتباط‌هایی که نشان‌دهنده شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای کنش/واکنش و پیامدها هستند، برقرار می‌شود. بعد از انجام کدگذاری محوری، مرحله بعد کدگذاری انتخابی نام دارد که در آن محقق مدل را در نظر گرفته و قضیه‌ها یا فرضیه‌هایی که مقوله‌های مطرح‌شده در مدل را به هم مرتبط می‌سازد را توسعه می‌دهد و گزارشی در رابطه با مقوله‌ها و رابطه میان آن‌ها را ارائه می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۳، بیشترین شاخص آموزش را در سال ۱۳۹۰، استان‌های تهران، البرز و اصفهان به ترتیب با ۰/۶۸۱، ۰/۶۸۱ و ۰/۶۷۶ و استان‌های کهگیلویه و بویر احمد، کردستان و کرمانشاه به ترتیب با ۰/۵۹۱، ۰/۵۹۸ و ۰/۵۹۹ کمترین میزان را دارا بودند. بیشترین شاخص آموزش را در سال ۱۳۹۵، استان‌های تهران، البرز و اصفهان به ترتیب با ۰/۷۷۸، ۰/۷۷۷ و ۰/۷۷۵ و استان‌های کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان و کرمانشاه به ترتیب با ۰/۶۸۶، ۰/۶۹۰ و ۰/۶۹۱ کمترین میزان را دارا بودند. این نتیجه نشان می‌دهد استان‌ها در مرکز کشور بویژه استان تهران و استان البرز بیشترین میزان برخورداری از شاخص آموزش را داشتند و سه استان کم برخورداری از این شاخصه در واقع استان‌های مرزی کشور بوده‌اند.

جدول ۳- مقایسه شاخص آموزش در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

ردیف	نام استان	مقدار میانگین سال‌های تحصیل	شاخص میانگین سال‌های تحصیل	مقدار سال‌های شاخص سال‌های	شاخص سال‌های شاخص سال‌های	مقدار سال‌های شاخص سال‌های	شاخص سال‌های شاخص سال‌های	مقدار سال‌های شاخص سال‌های	شاخص سال‌های شاخص سال‌های
		۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۹۰
۱	آذربایجان شرقی	۸/۱۸	۹/۱۰	۰/۶۲۰	۰/۶۸۹	۱۳/۱۶	۱۴/۸۰	۰/۶۳۹	۰/۷۱۸
۲	آذربایجان غربی	۷/۷۲	۸/۳۱	۰/۵۸۵	۰/۶۳۰	۱۲/۵۲	۱۴/۳۱	۰/۶۰۸	۰/۶۹۵
۳	اردبیل	۸/۱۳	۹/۶۲	۰/۶۱۶	۰/۷۲۹	۱۳/۱۷	۱۴/۸۶	۰/۶۳۹	۰/۷۲۱
۴	اصفهان	۸/۲۲	۹/۶۴	۰/۶۲۳	۰/۷۳۰	۱۳/۳۴	۱۴/۹۵	۰/۶۴۸	۰/۷۲۶
۵	البرز	۸/۳۰	۹/۶۸	۰/۶۲۹	۰/۷۳۳	۱۳/۳۸	۱۴/۹۷	۰/۶۵۰	۰/۷۲۷
۶	ایلام	۷/۷۱	۸/۴۲	۰/۵۸۴	۰/۶۳۸	۱۲/۱۹	۱۳/۹۸	۰/۵۹۲	۰/۶۷۹
۷	بوشهر	۷/۸۶	۸/۸۱	۰/۵۹۵	۰/۶۶۷	۱۲/۵۷	۱۴/۱۱	۰/۶۱۰	۰/۶۸۵
۸	تهران	۸/۳۵	۹/۷۰	۰/۶۳۳	۰/۷۳۵	۱۳/۳۱	۱۴/۹۸	۰/۶۴۶	۰/۷۲۷
۹	چهارمحال و بختیاری	۷/۸۲	۸/۵۲	۰/۵۹۲	۰/۶۴۵	۱۲/۰۱	۱۳/۹۸	۰/۵۸۳	۰/۶۷۹

۱۰	خراسان جنوبی	۷/۳۵	۸/۴۳	۰/۵۵۷	۰/۶۳۹	۱۲/۴۲	۱۴/۴۱	۰/۶۰۳	۰/۷۰۰	۰/۶۱۷	۰/۷۱۲
۱۱	خراسان رضوی	۷/۹۱	۸/۶۰	۰/۵۹۹	۰/۶۵۲	۱۲/۶۱	۱۴/۶۷	۰/۶۱۲	۰/۷۱۲	۰/۶۴۵	۰/۷۲۵
۱۲	خراسان شمالی	۷/۰۸	۸/۴۶	۰/۵۳۶	۰/۶۴۱	۱۲/۳۶	۱۴/۵۵	۰/۶۰۰	۰/۷۰۶	۰/۶۰۴	۰/۷۱۷
۱۳	خوزستان	۷/۶۱	۸/۱۷	۰/۵۷۷	۰/۶۱۹	۱۲/۲۱	۱۳/۹۸	۰/۵۹۳	۰/۶۷۹	۰/۶۲۳	۰/۶۹۰
۱۴	زنجان	۸/۱۹	۹/۳۴	۰/۶۲۰	۰/۷۰۸	۱۳/۱۲	۱۴/۸۷	۰/۶۳۷	۰/۷۲۲	۰/۶۶۹	۰/۷۶۱
۱۵	سمنان	۸/۰۱	۹/۰۰	۰/۶۰۷	۰/۶۸۲	۱۳/۰۹	۱۴/۸۲	۰/۶۳۵	۰/۷۱۹	۰/۶۶۱	۰/۷۴۶
۱۶	سیستان و بلوچستان	۷/۳۳	۸/۴۶	۰/۵۵۵	۰/۶۴۱	۱۲/۳۱	۱۴/۱۵	۰/۵۹۸	۰/۶۸۷	۰/۶۱۳	۰/۷۰۷
۱۷	فارس	۸/۱۸	۶/۶۱	۰/۶۲۰	۰/۷۲۸	۱۳/۲۱	۱۴/۹۲	۰/۶۴۱	۰/۷۲۴	۰/۶۷۱	۰/۷۷۳
۱۸	قزوین	۸/۱۱	۸/۶۴	۰/۶۱۴	۰/۶۷۷	۱۳/۱۹	۱۴/۸۴	۰/۶۴۰	۰/۷۲۰	۰/۶۶۸	۰/۷۴۴
۱۹	قم	۸/۱۴	۸/۶۲	۰/۶۱۷	۰/۶۷۶	۱۳/۲۲	۱۴/۹۰	۰/۶۴۲	۰/۷۲۳	۰/۶۷۰	۰/۷۴۵
۲۰	کردستان	۷/۱۰	۸/۲۶	۰/۵۳۸	۰/۶۲۶	۱۲/۰۶	۱۴/۰۲	۰/۵۸۵	۰/۶۸۱	۰/۵۹۸	۰/۶۹۵
۲۱	کرمان	۷/۱۶	۸/۷۲	۰/۵۹۵	۰/۶۶۱	۱۲/۶۷	۱۴/۸۷	۰/۶۱۵	۰/۷۲۲	۰/۶۴۴	۰/۷۳۵
۲۲	کرمانشاه	۷/۰۱	۸/۲۰	۰/۵۳۱	۰/۶۲۱	۱۲/۲۷	۱۳/۹۵	۰/۵۹۶	۰/۶۷۷	۰/۵۹۹	۰/۶۹۱
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	۶/۹۸	۸/۱۱	۰/۵۲۹	۰/۶۱۴	۱۲/۰۰	۱۳/۹۳	۰/۵۸۳	۰/۶۷۶	۰/۵۹۱	۰/۶۸۶
۲۴	گلستان	۸/۰۸	۹/۳۱	۰/۶۱۲	۰/۷۰۵	۱۳/۳۳	۱۴/۸۸	۰/۶۴۲	۰/۷۲۲	۰/۶۶۸	۰/۷۶۰
۲۵	گیلان	۸/۱۱	۹/۳۵	۰/۶۱۴	۰/۷۰۸	۱۳/۲۲	۱۴/۹۰	۰/۶۴۲	۰/۷۲۳	۰/۶۶۹	۰/۷۶۲
۲۶	لرستان	۷/۰۰	۸/۱۹	۰/۵۳۰	۰/۶۲۰	۱۲/۴۱	۱۴/۰۰	۰/۶۰۲	۰/۶۸۰	۰/۶۰۲	۰/۶۹۲
۲۷	مازندران	۸/۰۶	۹/۳۰	۰/۶۱۱	۰/۷۰۵	۱۳/۲۲	۱۴/۹۲	۰/۶۴۲	۰/۷۲۴	۰/۶۶۷	۰/۷۶۱
۲۸	مرکزی	۸/۰۰	۸/۹۵	۰/۶۰۶	۰/۶۷۸	۱۳/۰۷	۱۴/۲۰	۰/۶۳۴	۰/۶۸۹	۰/۶۶۰	۰/۷۲۸
۲۹	هرمزگان	۱/۶۵	۸/۲۵	۰/۵۸۰	۰/۶۲۵	۱۲/۴۷	۱۴/۰۷	۰/۶۰۵	۰/۶۸۳	۰/۶۳۱	۰/۶۹۶
۳۰	همدان	۸/۰۹	۸/۹۶	۰/۶۱۳	۰/۶۷۹	۱۳/۱۱	۱۴/۸۱	۰/۶۳۶	۰/۷۱۹	۰/۶۶۵	۰/۷۴۴
۳۱	یزد	۸/۱۰	۹/۰۰	۰/۶۱۴	۰/۶۸۲	۱۳/۰۰	۱۴/۹۱	۰/۶۳۱	۰/۷۲۴	۰/۶۶۳	۰/۷۴۸
	کشور	۸/۲۰	۸/۸۰	۰/۶۲۱	۰/۶۶۷	۱۳/۱۰	۱۴/۸۰	۰/۶۳۶	۰/۷۱۸	۰/۶۶۹	۰/۷۳۷

مأخذ: محاسبات محقق

برای محاسبه شاخص رفاه اقتصادی از درآمد ناخالص داخلی سرانه به برابری قدرت خرید دلار آمریکا استفاده شده است. اطلاعات مربوط به درآمد سرانه در استان‌ها با استفاده از محصول ناخالص داخلی بدون نفت به تفکیک استان‌ها از اطلاعات اقتصادی حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و بانک جهانی استفاده شده است. حداقل و حداکثر درآمد سرانه برابر ۱۰۰ دلار و ۱۰۸۲۱۱ دلار است (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ۲۰۱۰). رقم جمعیت نیز با استفاده از سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استفاده شده است.

مطابق جدول ۴ شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۹۰ در استان‌های تهران، اصفهان و یزد به ترتیب با شاخص ۰/۷۵۱، ۰/۷۳۳ و ۰/۷۳۲، از سایر استان‌ها بالاتر و در استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، خراسان شمالی به ترتیب با شاخص ۰/۶۳۹، ۰/۶۵۶ و ۰/۶۶۴، از سایر استان‌ها پایین‌تر است. به علت اینکه نوسان‌های شاخص توسعه انسانی بین صفر و یک است تفاوت‌های بارزی در شاخص توسعه انسانی مشاهده نمی‌شود. برحسب ارقام شاخص توسعه

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

انسانی تفاوت بالاترین استان و پایین‌ترین آن ۰/۱۱۲ هست (تهران و سیستان و بلوچستان). مطابق این جدول شاخص توسعه انسانی سال ۱۳۹۵ در استان‌های تهران، البرز و یزد به ترتیب با شاخص ۰/۷۷۰، ۰/۷۴۴ و ۰/۷۴۳، از سایر استان‌ها بالاتر و در استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و کردستان، به ترتیب با شاخص ۰/۶۳۲، ۰/۶۵۶ و ۰/۶۵۸، از سایر استان‌ها پایین‌تر است. برحسب ارقام شاخص توسعه انسانی تفاوت بالاترین استان و پایین‌ترین آن ۰/۱۳۸ می‌باشد (تهران و سیستان و بلوچستان). در سال ۱۳۹۰ در کل کشور شاخص آموزش؛ ۰/۶۶۹ و شاخص توسعه انسانی؛ ۰/۷۳۱ محاسبه گردیده است. در سال ۱۳۹۵ در کل کشور شاخص آموزش؛ ۰/۷۳۷ و شاخص توسعه انسانی؛ ۰/۷۵۹ محاسبه گردیده است.

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده در این جدول در کل کشور، نرخ رشد شاخص توسعه انسانی ۰/۰۱ درصد است و شاخص آموزش ۲/۵۶ درصد رشد داشته است. در خصوص استان‌های کشور نیز، آمارهای به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، بیشتر تغییرات از نظر رشد شاخص توسعه انسانی شامل استان‌های البرز، تهران و کرمانشاه به ترتیب با ۱/۱۱، ۰/۵۰ و ۰/۴۴ درصد ارتقاء و استان‌های قم، گلستان و گیلان به ترتیب با ۰/۵۹، ۰/۴۹ و ۰/۴۸ - درصد تنزل در طول پنج سال برنامه پنجم توسعه هستند که نیاز به توجه جدی و بیشتر در این استان‌ها احساس می‌شود. داده‌های مربوط به رشد شاخص آموزش بیانگر آن است که این شاخص در تمامی استان‌های کشور دارای رشد مثبت بوده است. در این خصوص استان‌های خراسان شمالی، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب با نرخ رشد ۳/۴۷، ۳/۰۶ و ۳/۰۳ درصد بیشترین مقدار و استان‌های مرکزی، هرمزگان و خوزستان به ترتیب با نرخ رشد ۱/۹۷، ۱/۹۸ و ۲/۰۸ درصد کمترین مقدار را در طول پنج سال برنامه پنجم توسعه نشان داده است. همانطور که نتایج نشان می‌دهد استان‌ها در مرکز کشور بویژه استان تهران و استان البرز بیشترین میزان برخورداری از شاخص آموزش را داشتند و سه استان کم برخورداری از این شاخص در واقع استان‌های مرزی کشور بوده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴- شاخص توسعه انسانی و نرخ رشد در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به تفکیک استان‌ها

ردیف	نام استان	شاخص آموزش ۱۳۹۰		شاخص آموزش ۱۳۹۵		نرخ رشد شاخص آموزش		شاخص توسعه انسانی (HDI) ۱۳۹۰		شاخص توسعه انسانی (HDI) ۱۳۹۵		نرخ رشد شاخص توسعه انسانی	
		رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص
۱	آذربایجان شرقی	۴	۰/۶۷۰	۹	۰/۷۴۹	۲۳	۲/۲۷۷	۹	۰/۷۰۷	۱۲	۰/۷۰۱	۲۱	-۰/۱۶۵
۲	آذربایجان غربی	۱۵	۰/۶۳۵	۲۲	۰/۷۰۴	۲۸	۲/۰۹۴	۱۹	۰/۶۸۱	۲۰	۰/۶۷۰	۲۸	-۰/۳۰۸
۳	اردبیل	۶	۰/۶۶۸	۵	۰/۷۷۲	۴	۲/۹۳۲	۱۵	۰/۶۹۸	۱۲	۰/۷۰۱	۱۲	۰/۰۹۲
۴	اصفهان	۲	۰/۶۷۶	۳	۰/۷۷۵	۱۰	۲/۷۷۱	۲	۰/۷۳۳	۴	۰/۷۳۷	۱۱	۰/۱۰۹
۵	البرز	۱	۰/۶۸۱	۲	۰/۷۷۷	۱۲	۲/۶۹۷	۱۰	۰/۷۰۴	۲	۰/۷۴۴	۱	۱/۱۱۱

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

۵	ایلام	۰/۶۲۶	۱۷	۰/۷۰۱	۲۳	۲/۲۷۷	۲۴	۰/۶۷۹	۲۰	۰/۶۷۷	۱۹	-۰/۰۵۵	۱۸
>	بوشهر	۰/۶۴۲	۱۴	۰/۷۲۰	۱۷	۲/۳۲۳	۲۲	۰/۷۰۳	۱۱	۰/۶۹۴	۱۴	-۰/۲۳۲	۲۵
<	تهران	۰/۶۸۱	۱	۰/۷۷۸	۱	۲/۷۱۷	۱۱	۰/۷۵۱	۱	۰/۷۷۰	۱	۰/۵۰۵	۲
۴	چهارمحال و بختیاری	۰/۶۲۶	۱۷	۰/۷۰۵	۲۱	۲/۴۰۵	۲۰	۰/۶۷۹	۲۰	۰/۶۷۰	۲۰	-۰/۲۵۷	۲۷
۳	خراسان جنوبی	۰/۶۱۷	۱۹	۰/۷۱۲	۱۹	۲/۸۹۸	۵	۰/۶۸۱	۱۹	۰/۶۷۹	۱۸	-۰/۰۶۹	۱۹
۲	خراسان رضوی	۰/۶۴۵	۱۲	۰/۷۲۵	۱۶	۲/۳۷۷	۲۱	۰/۶۹۶	۱۶	۰/۷۰۱	۱۲	۰/۱۴۳	۸
۱	خراسان شمالی	۰/۶۰۴	۲۱	۰/۷۱۷	۱۸	۳/۴۷۱	۱	۰/۶۶۴	۲۴	۰/۶۶۶	۲۱	۰/۰۶۸	۱۵

۳	خوزستان	۰/۶۲۳	۱۸	۰/۶۹۰	۲۸	۲/۰۸۵	۲۹	۰/۶۹۱	۱۸	۰/۶۹۴	۱۴	۰/۰۷۹	۱۳
۴	زنجان	۰/۶۶۹	۵	۰/۷۶۱	۷	۲/۵۹۹	۱۷	۰/۷۱۰	۷	۰/۷۱۵	۱۰	۰/۱۴۰	۹
۵	سمنان	۰/۶۶۱	۱۰	۰/۷۴۶	۱۱	۲/۴۳۶	۱۹	۰/۷۲۴	۴	۰/۷۲۱	۷	۰/۰۸۷	۲۰
۹	سیستان و بلوچستان	۰/۶۱۳	۲۰	۰/۷۰۷	۲۰	۲/۸۶۷	۸	۰/۶۳۹	۲۶	۰/۶۳۲	۲۵	۰/۲۲۳	۲۴
۱۱	فارس	۰/۶۷۱	۳	۰/۷۷۳	۴	۲/۸۶۹	۷	۰/۷۰۹	۸	۰/۷۱۸	۹	۰/۲۵۴	۶
۱۲	قزوین	۰/۶۶۸	۶	۰/۷۴۴	۱۳	۲/۱۷۶	۲۶	۰/۷۲۱	۵	۰/۷۱۹	۸	۰/۰۵۰	۱۷
۱۳	قم	۰/۶۷۰	۴	۰/۷۴۵	۱۲	۲/۱۳۴	۲۷	۰/۷۰۹	۸	۰/۶۸۹	۱۵	۰/۵۹۶	۳۱

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

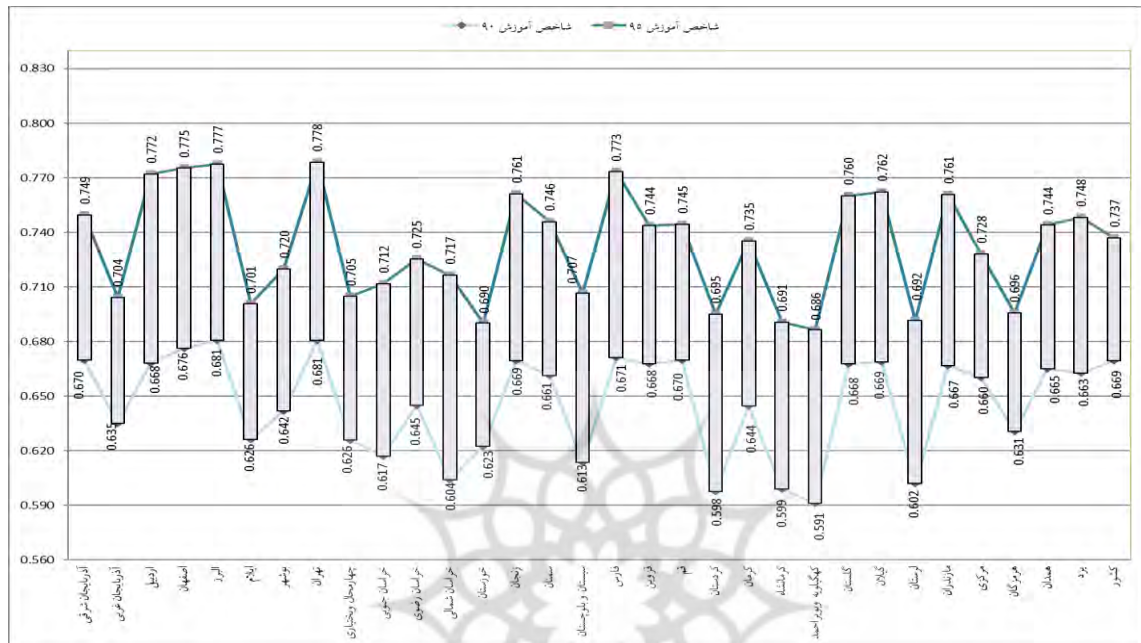
۱۴	۰/۰۷۷	۲۳	۰/۶۵۸	۲۵	۰/۶۵۶	۲	۳/۰۶۵	۲۵	۰/۶۹۵	۲۴	۰/۵۹۸	کردستان	۱۰
۱۰	۰/۱۲۰	۱۱	۰/۷۰۴	۱۳	۰/۷۰۰	۱۴	۲/۶۷۵	۱۴	۰/۷۳۵	۱۳	۰/۶۴۴	کرمان	۱۱
۳	۰/۴۴۳	۱۶	۰/۶۸۷	۲۱	۰/۶۷۲	۶	۲/۸۹۲	۲۷	۰/۶۹۱	۲۳	۰/۵۹۹	کرمانشاه	۱۲
۲۶	-۰/۲۵۶	۲۴	۰/۶۵۶	۲۳	۰/۶۶۵	۳	۳/۰۳۷	۲۹	۰/۶۸۶	۲۵	۰/۵۹۱	کهگیلویه و بویراحمد	۱۳
۳۰	-۰/۴۹۷	۱۷	۰/۶۸۲	۱۴	۰/۶۹۹	۱۶	۲/۶۲۶	۸	۰/۷۶۰	۶	۰/۶۶۸	گلستان	۱۴
۲۹	-۰/۴۸۲	۱۴	۰/۶۹۴	۶	۰/۷۱۱	۱۵	۲/۶۵۴	۶	۰/۷۶۲	۵	۰/۶۶۹	گیلان	۱۵
۲۲	-۰/۱۷۸	۲۲	۰/۶۶۰	۲۲	۰/۶۶۶	۹	۲/۸۱۴	۲۶	۰/۶۹۲	۲۲	۰/۶۰۲	لرستان	۱۶

۱۶	۰/۰۰۷	۶	۰/۷۲۲	۵	۰/۷۲۱	۱۳	۲/۶۷۶	۷	۰/۷۶۱	۷	۰/۶۶۷	مازندران	۲۷
۴	۰/۳۸۹	۵	۰/۷۳۵	۵	۰/۷۲۱	۳۱	۱/۹۷۱	۱۵	۰/۷۲۸	۱۱	۰/۶۶۰	مرکزی	۲۸
۷	۰/۲۱۹	۱۲	۰/۷۰۱	۱۷	۰/۶۹۳	۳۰	۱/۹۸۲	۲۴	۰/۶۹۶	۱۶	۰/۶۳۱	هرمزگان	۲۹
۲۳	۰/۲۱۴	۱۳	۰/۶۹۵	۱۲	۰/۷۰۲	۲۵	۲/۲۶۶	۱۳	۰/۷۴۴	۸	۰/۶۶۵	همدان	۳۰
۵	۰/۳۰۰	۳	۰/۷۴۳	۳	۰/۷۳۲	۱۸	۲/۴۵۴	۱۰	۰/۷۴۸	۹	۰/۶۶۳	یزد	۳۱
۰/۰۱۳	۰/۷۵۹	۰/۷۳۱	۲/۵۶۵	۰/۷۳۷	۰/۶۶۹	کشور							

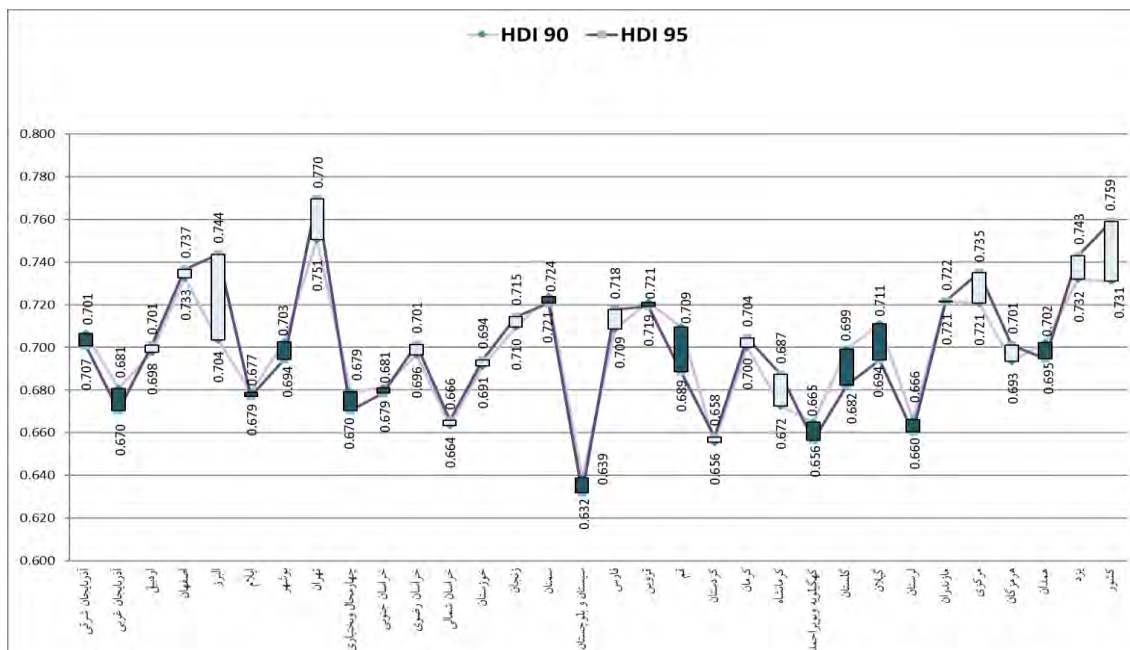
مأخذ: محاسبات محقق

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

در نمودار ۱ مقدار شاخص آموزش در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ و مقدار تغییرات آن به تفکیک استانها نشان داده شده است. همانگونه که در نمودار فوق ملاحظه می شود تمامی استانهای کشور در این شاخص با افزایش مقدار روبرو بوده اند که نشان دهنده روند مثبت سطح آموزش در کشور است. بیشترین افزایش مربوط به استان خراسان شمالی با مقدار تغییر ۰/۱۱ و کمترین افزایش مربوط به استان هرمزگان با مقدار تغییر ۰/۰۷ است.



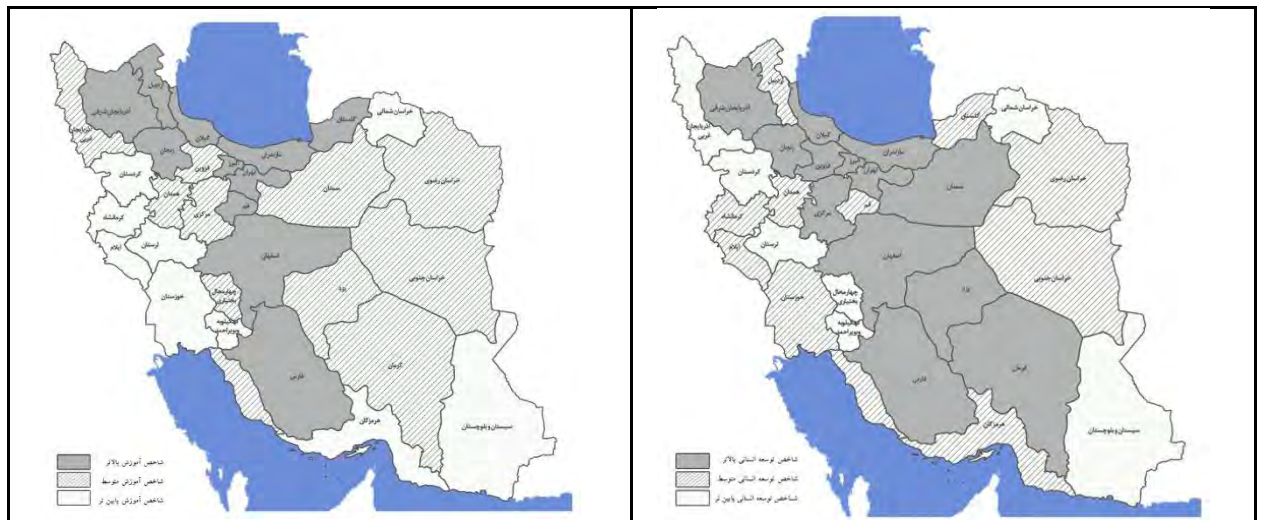
نمودار ۱- نمودار میزان تغییرات شاخص آموزش در طول برنامه پنجم توسعه (سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵)
 در نمودار ۲ مقدار شاخص توسعه انسانی در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ و مقدار تغییرات آن را به تفکیک استانها نشان داده شده است. همانگونه که در نمودار فوق ملاحظه می شود برخی استانها با افزایش شاخص و برخی با کاهش مقدار شاخص روبرو بوده اند. بیشترین افزایش در سطح شاخص توسعه انسانی را استان البرز با مقدار ۰/۰۴ و بیشترین مقدار کاهش را استان قم با ۰/۰۲- دارا بوده است.



نمودار ۲- نمودار میزان تغییرات شاخص توسعه انسانی در طول برنامه پنجم توسعه (سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵)

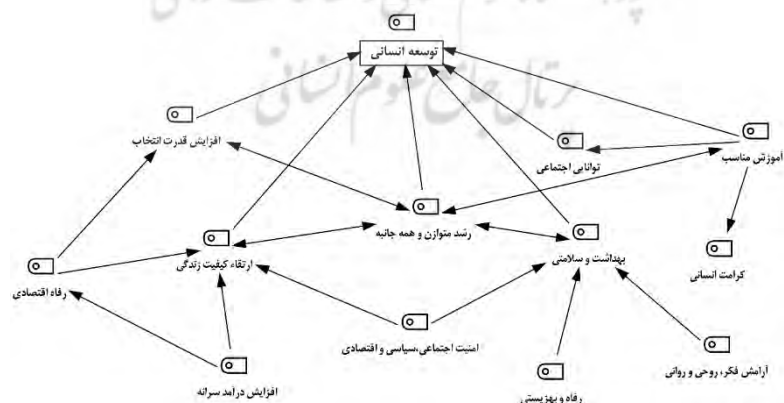
در شکل ۱ نقشه سمت چپ نقشه پراکندگی‌ها در شاخص آموزش استان‌های کشور را طی سال‌های اجرای برنامه پنجم توسعه نشان می‌دهد. پراکندگی شاخص مذکور را در مقیاس ملی، در سه سطح بالا برای استان‌های تهران، البرز، اصفهان، فارس، اردبیل، گیلان، زنجان، گلستان، مازندران، آذربایجان شرقی و قم (خاکستری) و متوسط برای استان‌های قزوین، یزد، همدان، سمنان، مرکزی، کرمان، خراسان رضوی، بوشهر، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری و خراسان جنوبی (هاشوردار) و پایین برای استان‌های ایلام، هرمزگان، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، خوزستان، لرستان، کردستان، کرمانشاه و کهگیلویه و بویراحمد (روشن) قابل مشاهده است. شکل ۱ نقشه سمت راست نقشه پراکندگی‌ها در شاخص توسعه انسانی (HDI) استان‌های کشور را طی سال‌های اجرای برنامه پنجم توسعه نشان می‌دهد. بر اساس میانگین این شاخص در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، پراکندگی شاخص توسعه انسانی را در مقیاس ملی در سه سطح بالا برای استان‌های تهران، یزد، اصفهان، مرکزی، البرز، سمنان، مازندران، قزوین، فارس، زنجان، آذربایجان شرقی، گیلان و کرمان (خاکستری) و متوسط برای استان‌های اردبیل، قم، خراسان رضوی، بوشهر، همدان، هرمزگان، خوزستان، گلستان، خراسان جنوبی، کرمانشاه و ایلام (هاشوردار) و پایین برای استان‌های آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان و سیستان و بلوچستان (روشن) می‌توان مشاهده کرد. محرومیت قابل ملاحظه در استان‌های گروه سوم و گستردگی استان‌های گروه اول در مرکز کشور و نواحی نفت‌خیز، اتخاذ ابتکارات خاصی برای کاهش پراکندگی شاخص توسعه انسانی در مناطق مختلف کشور را ضروری می‌سازد.

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه



شکل ۱- نقشه پراکندگی میانگین شاخص آموزش در استانهای کشور در طول برنامه پنجم توسعه
بررسی شاخص توسعه انسانی در استانهای ایران، حکایت از این دارد که بیشتر مناطق مرزی کشور از توسعه پایین تری نسبت به مناطق مرکزی برخوردار هستند. در واقع اختلاف بین حاشیه و مرکز در استانهای ایران از جنبه توسعه یافتگی بسیار زیاد است. در بین استانهای مرزی کشور نیز دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان از توسعه پایین تری نسبت به دیگر استانهای حاشیه برخوردارند.

پارادایم شاخص توسعه انسانی در این تحلیل اکتشافی شامل شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله گر، راهبردهای کنش/واکنش و پیامدها هستند. پدیده اصلی مورد مطالعه "توسعه انسانی" در نظر گرفته شده است. مصاحبه شوندگان در پاسخ به سؤالاتی که مربوط به تعریف توسعه انسانی است، توضیحات و مصادیقی را بیان کردند که کدهای استنباط شده از عبارات مهم آنها استخراج شده است. دوازده مقوله در کدهای اولیه جایگزین شدند که عبارتند از: ارتقاء کیفیت زندگی، افزایش درآمد سرانه، افزایش قدرت انتخاب، برخورداری از آرامش، آموزش مناسب، بهداشت و سلامتی، توانایی اجتماعی، رشد متوازن و همه جانبه، امنیت اجتماعی، رفاه اقتصادی، رفاه و بهزیستی و کرامت انسانی که در ادامه به آنها پرداخته می شود.



در اکتشاف شرایط علی که مجموعه شرایطی است که سبب پیدایش پدیده شده است از دید پژوهشگر بر اساس اشتراک معنایی در قالب مفاهیم انتزاعی تر در پنج مقوله اصلی قرار گرفتند. مقوله های اصلی شامل مؤلفه های ذیل است:

۱- امکانات آموزشی: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه ابعاد امکانات آموزشی در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل بی‌عدالتی در سرانه آموزشی، تربیت متخصص، تمرکز مراکز علمی تحقیقاتی و کیفیت امکانات آموزشی بودند. با عنایت به نظر صاحب‌نظران می‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود که عدم توجه جدی به آموزش و پرورش عمومی و پایه، آموزش بی‌کیفیت و بدون مهارت آموزشی و صرفاً متکی بر حفظ متون مختلف و اکثراً بدون استفاده کاربردی، عدم رعایت عدالت در ارائه امکانات و خدمات آموزشی در استان‌های با رتبه پایین و همچنین وجود زیرساخت‌های مناسب و رشد فزاینده دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در استان‌های با رتبه بالا و در نتیجه تمرکز شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز علمی و شرکت‌های تولیدی و خدماتی به دنبال آن موجب ایجاد تفاوت در رشد شاخص آموزش در توسعه انسانی در بین استان‌ها شده است.

۲- امکانات بهداشتی و رفاهی: ابعاد امکانات بهداشتی و رفاهی در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه عبارتند از امکانات رفاهی مناسب، تمرکز خدمات بهداشتی و درمانی، فقر غذایی و کیفیت امکانات بهداشتی و درمانی. مطابق صاحب‌نظران می‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود که تبعیض در تخصیص و کمبود امکانات باکیفیت بهداشتی، درمانی و رفاهی در استان‌های محروم و افزایش فاصله آن‌ها با استان‌های توسعه‌یافته، وجود امکانات بهداشتی مناسب به‌ویژه نیروی انسانی متخصص و تراز اول کشور در مراکز این استان‌ها موجب ایجاد تفاوت در رشد شاخص بهداشت در توسعه انسانی در بین استان‌ها شده است.

۳- برنامه‌ریزی نامناسب: ابعاد برنامه‌ریزی نامناسب در ۵ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه عبارت‌اند از سیاست‌گذاری نادرست، ضعف در اجرای برنامه‌ها، ضعف زیرساخت‌ها، عدم توجه به ظرفیت‌های موجود و فقدان سند ملی آمایش عملیاتی. از دید صاحب‌نظران نبود تعریف مشترک از مفهوم توسعه پایدار در سطوح مدیریتی کشور، نداشتن نگاه کلان نسبت به تأثیرگذاری هر یک از عوامل بر دیگری، سطح پایین فهم انسانی از توسعه در میان برخی مدیران بخشی کشور همواره در روند توسعه مناطق مشکل ایجاد کرده که بدون توجه به آن سرچشمه تصمیم‌گیری‌های ملی همچنان به کژراهه خواهد رفت.

۴- توسعه نامتوازن: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان ابعاد توسعه نامتوازن در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه عبارت‌اند از تمرکزگرایی، توزیع نامتوازن منابع و امکانات، توسعه نامتوازن زیرساخت‌ها و فقدان مدل کارآمد توازن‌سازی. به زعم اکثر صاحب‌نظران یکی از مهمترین عوامل موثر در عدم توازن رشد توسعه در کشور افراط در تمرکزگرایی، توزیع نامتوازن منابع و امکانات و همچنین توسعه نامتوازن در زیرساخت‌ها و عدم وجود چشم‌انداز درمورد عبور از این وضعیت می‌باشد.

۵- فقر اقتصادی: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان ابعاد فقر اقتصادی در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل بیکاری، تورم، شکاف درآمدی و طبقاتی و فقر و تنگدستی می‌باشد. می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که مسائل اقتصادی، رفاه اقتصادی، درآمد سرانه مالی، اشتغال و... در رشد و توسعه یافتگی همه جانبه یک استان مخصوصاً توسعه انسانی آن نقش مهم و پررنگی دارند.

در اکتشاف زمینه‌ها که نشان‌دهنده شرایط ویژه‌ای است که پدیده در آن قرار دارد، مشترک و مورد تأیید کلیه صاحب‌هشوندگان به انضمام کدهای با اهمیت از دید پژوهشگر زیر طبقات بر اساس اشتراک معنایی در قالب مفاهیم انتزاعی‌تر در سه مقوله اصلی قرار گرفتند. مقوله‌های اصلی شامل موارد زیر است.

۱- اقلیم و جبر جغرافیایی: ابعاد اقلیم و جبر جغرافیایی در ۳ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل اقلیم نامناسب، توزیع نامناسب جمعیت و موقعیت جغرافیایی می‌باشد. عدم تعادل‌های منطقه‌ای می‌تواند ناشی از

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

جبر جغرافیایی در برخی از مناطق مانند سیستان و بلوچستان بوده بطوریکه در برخی استانهای با پتانسیل بالای اقتصادی نظیر خوزستان نیز در حال حاضر در زمره مناطق توسعه نیافته قرار دارند. ضمن اینکه تمرکز جمعیت و فعالیت در مناطق خاصی از کشور و رشد ناتوان سکونت گاهی ناشی از جبر جغرافیای موجب می گردد تا خدمات رسانی به این مناطق را سخت تر کند. چنانچه در نقاطی که جمعیت متمرکز است خدمت رسانی سهل تر و اقتصادی تر است. همچنین می توان به این نکته اشاره نمود که در پاره ای از موارد، بعضی از استان ها به دلایل امنیتی و سایر عوامل سرزمینی امکان ایجاد و احداث کارخانه ها و اشتغال مولد را نمی دهد؛ و لذا پاره ای از استان ها همواره از این گونه مواهب بی بهره اند.

۲- زمینه تاریخی: از منظر صاحب نظران، از زمینه های تاریخی مؤثر در عدم توازن می توان به شرایط تاریخی و فرهنگی استان، وجود جاذبه های توریستی زیارتی و گردشگری و همچنین آثار و عواقب جنگ تحمیلی بر استان های درگیر آن نام برد.

۳- موانع اقتصادی: ابعاد موانع اقتصادی در ۳ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل تحریم های بین المللی، عدم امنیت اقتصادی و عدم امنیت سرمایه گذاری می باشد. از نظر صاحب نظران شرایط بین المللی مانند تحریم و فشارهای اقتصادی و عدم استفاده صحیح از ظرفیت دیپلماسی و سیاست خارجی صحیح موجب کاهش ارزش پول ملی و نرخ ارز و عدم توفیق در جذب سرمایه های خارجی و فاینانس می گردد و کاهش سرمایه گذاری خارجی رشد اقتصادی را تحت شعاع قرار می دهد. در پاره ای از موارد، بعضی از استان ها به دلایل امنیتی و سایر عوامل سرزمینی امکان ایجاد و احداث کارخانه ها و اشتغال مولد را نمی دهد و لذا پاره ای از استان ها همواره از این گونه مواهب بی بهره اند. استان هایی که در رتبه های پایین تر قرار دارند از لحاظ امنیت و مسائل اجتماعی به لحاظ نزدیک بودن به مرزهای کشور با کشورهای فاقد امنیت کامل تحت تأثیر قرار گرفته اند و شاخص توسعه انسانی را نزول داده اند. شرایط مداخله گر یا میانجی زمینه ساختاری گسترده ای هستند که پدیده در آن رخ می دهد و بر پیامدهای آن مؤثر است. طبقات بر اساس اشتراک معنایی در قالب مفاهیم انتزاعی تر در چهار مقوله اصلی قرار گرفتند. مقوله های اصلی شامل مؤلفه هایی به شرح ذیل است.

۱- قدرت و حاکمیت: از دیدگاه صاحب نظران و متخصصان ابعاد قدرت و حاکمیت در ۵ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل ایدئولوژی قدرت، دیدگاه نهادینه شده حاکمیت، رانت ارتباطی، عدم اولویت توسعه و عدم رعایت شایسته سالاری می باشد. با تحلیل نظرات صاحب نظران این گونه می توان نتیجه گیری نمود که مقاومت و قدرت بالای مناطق برخوردار، خواست حاکمیت و مسئولین رده بالای سیاسی که اکثراً بر خواسته از همین مناطق هستند، سیاست زدگی شدید دولت ها و کم توجهی به موضوعات مرتبط با توسعه انسانی از عواملی است که قدرت و حاکمیت بر پدیده مورد تحقیق تأثیر می گذارند.

۲- کاهش سرمایه اجتماعی: ابعاد کاهش سرمایه اجتماعی در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل ضعف نهادهای عمومی و مدنی، کاهش اعتماد عمومی، کاهش دانش و آگاهی و مهاجرت می باشد. تکیه بر ساختارها و نهادهای متمرکز دولتی و کم توجهی به نهادهای عمومی و مدنی در نظام سیاست گذاری کشور موجب گردیده نهادهای عمومی و مدنی در کشور تضعیف گردد. از جمله چالش های پیش روی دولت، ایجاد جو اعتماد در جامعه است. بالابردن سرمایه اجتماعی می تواند نقش مؤثری در موضوع داشته باشد. بسیاری آموزش و پرورش از کارکردهای اجتماعی که متأثر از اتفاقات اجتماعی است که در جهان می افتد. مبادا آموزش و پرورش ما عملاً منفعل بشود و حلقه جدا افتاده از واقعیت های اجتماعی، فرهنگی و سیر تحولات بین المللی باشد

۳- محدودیت منابع مالی: کدهای اولیه شامل محدودیت منابع مالی و وابستگی بودجه به نفت می‌باشد. اولین چالش دولت با توجه به سوء مدیریت از یکسو و تحریم‌ها از دیگر سو، تأمین درآمد موردنیاز می‌باشد. با توجه به وابستگی شدید زیرساخت‌های کشور به منابع مالی دولت از منظر صاحب‌نظران می‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود که وابستگی بودجه کشور و مناطق به درآمدهای نفتی و ناپایداری آن به دلیل نوسان قیمت نفت، کمبود منابع بودجه‌ای در شرایط تحریمی، کاهش شدید درآمدهای نفتی و مالیاتی کشور، هزینه‌بر بودن توسعه زیر معیارهای توسعه انسانی، دیربازده بودن سرمایه‌گذاری در مقوله توسعه منابع انسانی و قرار نگرفتن دستاوردهای اقدامات انجام‌شده در موفقیت‌های دولت از عواملی است به محدودیت منابع مالی دامن زده است.

۴- نابرابری قومی، مذهبی: کدهای اولیه شامل قومیت‌گرایی و نابرابری جنسی قومی و مذهبی می‌باشد. نوع نگرش و محدودیت‌های فرهنگی مناطق از عواملی مؤثر بر توسعه انسانی استان‌ها است. از منظر اکثر مصاحبه‌شوندگان برخورداری از فرهنگی به‌دور از تعصبات قومی، ایلی، عشیره‌ای، فرقه‌ای که زمینه‌ساز انسجام فرهنگی می‌باشد به رشد توسعه انسانی کمک می‌کند. همین موضوع ایجاد عدم اختلال می‌کند یعنی قوم غالب عملاً باز دارد پولدارتر می‌شود، باز امکانات بیشتری دارد و باز آن گروه‌های قومی و مذهبی که در اطراف کشور هستند احساس نابرابری بیشتری خواهند داشت و به توسعه نامتوازن بیشتر از گذشته دامن می‌زنند.

راهبردهای کنش در یک زمینه و با شرایط میانجی مشخص، مجموعه مشخصی از راهبردها یا اقدامات را امکان‌پذیر می‌سازد. از دید پژوهشگر بر اساس اشتراک معنایی در قالب مفاهیم انتزاعی‌تر در شش مقوله اصلی قرار گرفتند. مقوله‌های اصلی شامل مؤلفه‌های ذیل شناسایی شده است.

۱- ارتقاء سرمایه اجتماعی: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان ابعاد ارتقاء سرمایه اجتماعی در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل ایجاد روحیه مشارکت عمومی، آموزش توسعه فردی، حمایت از سمن (NGO) ها و شایسته‌سالاری و تخصص می‌باشد.

۲- توازن‌سازی: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان ابعاد توازن‌سازی در ۳ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل تدوین مدل توازن‌سازی، توزیع متوازن منابع و امکانات و رفع نابرابری‌ها می‌باشد. شیوه‌های دسترسی عادلانه به امکانات و تسهیلات و توزیع نسبتاً برابر تقریباً متوازن نمود گرچه دسترسی متوازن آن در سراسر یک کشور امر بسیار بعید و دور از ذهن می‌باشد. توزیع یکنواخت و برابر امکانات در همه استان‌های کشور، ایجاد شرایط اشتغال یکسان، برخورداری از امکانات زیرساختی برای همه استان‌ها و توجه بیشتر به استان‌هایی که در دوره‌های گذشته از این نظر عقب‌مانده‌اند می‌تواند در تعادل شاخص توسعه انسانی در کل کشور مؤثر باشد.

۳- راهبرد آموزش: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان ابعاد راهبرد آموزش در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل ارتقاء کیفیت آموزش، اصلاح نظام آموزشی، افزایش سرانه فضاهای آموزشی و ایجاد فرصت‌های تحصیلی می‌باشد.

در این رابطه مصاحبه‌شوندگان به مواردی از جمله: استقرار نظام تربیت‌معلم، ارتقاء صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، افزایش انگیزه خدمت آنان و اصلاح ساختار نیروی انسانی، دگرگونی در نظام مدیریت آموزش و پرورش، در تمامی سطوح، با تأکید بر پژوهش محور شدن تصمیم‌گیری‌ها، کاهش تمرکز، مشارکت‌جویی و افزایش بهره‌وری و... اشاره داشتند.

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

۴- راهبرد برنامه‌ریزی: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان ابعاد راهبرد برنامه‌ریزی در ۶ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل اصلاح ساختاری بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، تمرکززدایی، تنش‌زدایی بین‌المللی، توسعه امکانات زیرساختی و رفع تبعیض‌های قومی، مذهبی و جنسی می‌باشد.

در بعد اصلاح ساختاری بودجه‌ریزی می‌توان به راهبرد وجود سازوکارهای شفاف‌سازی در ساختار نظام مدیریتی و همچنین نظارت‌پذیر کردن دستگاه‌های حاکمیتی اشاره نمود که از طریق؛ افزایش نظارت اجتماعی، شفاف بودن فرآیندها، پاسخ‌دهی سریع و واضح واحدهای نظارتی و کنترل‌کننده در ارائه خدمات و... قابل‌دستیابی می‌باشد.

۵- راهبرد بهداشت و درمان: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان ابعاد راهبرد بهداشت و درمان در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل ارتقاء سطح سواد سلامت، توسعه امکانات بهداشتی- درمانی، زندگی سالم و گسترش نظام تأمین اجتماعی می‌باشد.

۶- رفاه اقتصادی: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان ابعاد رفاه اقتصادی در ۴ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل اشتغال‌زایی و کارآفرینی، توانمندسازی اقتصادی، خلق درآمد و تولید ثروت و کاهش فاصله طبقاتی و فقر می‌باشد. ارتقاء توسعه انسانی کاری بطلی می‌باشد و نیازمند آموزش جهت مشارکت جوامع می‌باشد زیرا دولت الزاماً با برنامه‌های توسعه‌ای و تکلیفی نمی‌تواند باعث ارتقاء توسعه انسانی شود. لذا بعد از ایجاد روحیه مشارکت امکان برنامه‌ریزی برای ارتقاء وجود دارد.

پیامدها نتایج هستند که در نتیجه کنش‌ها و واکنش‌ها یا پاسخ به پدیده به وجود می‌آیند. در این مرحله کدها پالایش‌شده و مهم‌ترین آن‌ها مقوله‌های محوی و اصلی پیامدها را شکل داده است بر اساس اشتراک معنایی در قالب مفاهیم انتزاعی‌تر در هشت مقوله اصلی قرار گرفتند. مقوله‌های اصلی شامل مؤلفه‌های؛

۱- اصلاح نظام مدیریت: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه اصلاح نظام مدیریت در ۹ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل تفویض اختیار و تصمیم‌گیری به مدیران محلی، توانمندی و پویایی سمن‌ها، توزیع عادلانه منابع و امکانات، حذف نگاه‌های سیاسی و چانه‌زنی، شایسته‌سالاری، شناسایی مزیت‌های سرمایه‌گذاری، کاهش نابرابری منطقه‌ای، مشارکت فعال در جامعه بین‌المللی و هدفمندسازی اعتبارات تخصیصی بودند.

۲- آموزش: با کد اولیه دسترسی به آموزش با کیفیت مشخص شده است که شامل دسترسی به آموزش‌های ابتدایی، متوسطه و عالی و رایگان برای همه و افزایش کیفیت آموزشی در مناطق کمتر توسعه یافته است. برای متوازن کردن آن در کشور می‌بایست توزیع درآمد به صورت عادلانه انجام شود. دسترسی به آموزش‌های ابتدایی، متوسطه و عالی و رایگان برای همه امکان‌پذیر باشد و سطح سلامت و بهداشت در همه کشور ارتقاء یابد.

۳- بهبود فضای کسب‌وکار: کدهای اولیه شامل ایجاد فرصت‌های برابر کسب‌وکار و گسترش فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در مناطق محروم بودند. که شامل فرصت‌های برابر گسترش کسب و کار برای گروه‌های مختلف، کاهش نرخ بیکاری، افزایش درآمد سرانه و اشتغال در مناطق کمتر توسعه یافته، گسترش و پخش فعالیت‌های تولیدی و معیشتی در گستره کشور و همچنین توزیع متناسب و متوازن ثروت در جامعه از منظرهای مختلف مالی (بودجه‌های دولتی، تسهیلات بانکی، سرمایه‌گذاری هلدینگ‌های دولتی و خصوصی)، گسترش فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در مناطق محروم و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساختها می‌باشد.

۴- بهداشت و سلامت: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه بهداشت و سلامت در ۲ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل ارتقاء سطح سلامت و بهداشت و امنیت غذایی بودند. که شامل ارتقاء سطح سلامت و بهداشت در همه کشور، افزایش سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت اجتماعی و بهره‌مندی از فضای

زیست‌محیطی پاک، بهره‌مندی تمامی قشرهای جامعه شامل برخوردار، متوسط و محروم از سلامت جسمانی، افزایش سلامت جسم و روان، زندگی طولانی توأم با سلامتی، امنیت غذایی، امکان دسترسی به غذای کافی در مناطق کمتر توسعه یافته، کاهش فقر غذایی و در نهایت سلامت کودکان و نوزادان است.

۵- توسعه زیرساخت‌ها: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه توسعه زیرساخت‌ها در ۲ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل توسعه زیرساخت‌های حیاتی و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات بودند. که شامل توسعه زیرساخت‌های حیاتی روبنایی و زیربنایی، توسعه زیرساخت‌های آب و انرژی در مناطق کمتر توسعه یافته و کم جمعیت، فراهم‌سازی فرصت‌های اقتصادی یکسان، دسترسی یکسان افراد به زیر ساخت‌ها و خدمات اجتماعی، برخورداری همه افراد جامعه از امکانات بهداشتی و دیگر احتیاجات اولیه در کلیه مناطق، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و در نهایت برخورداری از امکانات ارتباطی و اینترنت پرسرعت می‌باشد.

۶- رفاه اقتصادی: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه رفاه اقتصادی در ۶ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل ارتقاء رفاه اقتصادی، افزایش کیفیت زندگی، بهره‌مندی عادلانه از خدمات اجتماعی، رفع هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی، کاهش فقر و شکاف درآمدی و هدفمندسازی فعالیت‌های حمایتی بودند.

۷- سرمایه اجتماعی: از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه سرمایه اجتماعی در ۵ زیر طبقه کد اولیه قرار گرفتند. کدهای اولیه شامل ارتقاء سرمایه اجتماعی، افزایش آگاهی و مهارت افزایی، افزایش مسئولیت‌پذیری، ایجاد انگیزه مشارکت‌های مردمی و توانمندسازی و ظرفیت‌سازی منابع انسانی بودند.

۸- محیط‌زیست: دو شاخص موقعیت جغرافیایی و اقلیم نامناسب به‌عنوان شاخص‌های زیست‌محیطی مؤثر بر عدم متوازن رشد شاخص توسعه انسانی در بین استان‌های کشور شناخته شده‌اند. با توجه به رتبه ایران در حفاظت از محیط نیست این می‌تواند ناشی از مغفول ماندن این عامل از دید خبرگان باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

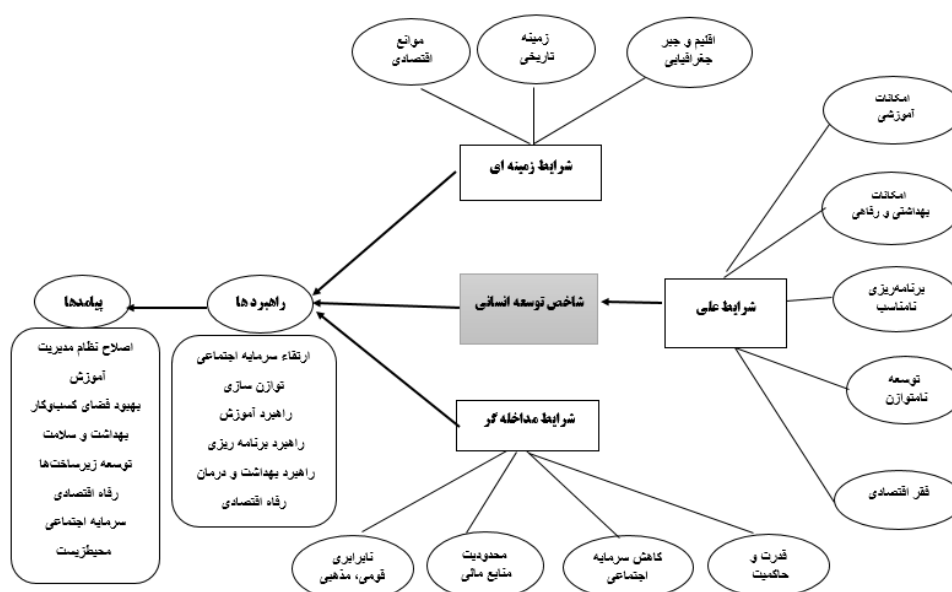
نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، رابطه آموزش و توسعه هم در سطح عمومی و هم در سطح آموزش عالی مثبت و اثرگذار است. حسنا و کوریب (۲۰۱۵) هم در مطالعه خود بر روی کشورهای آسیایی تأثیر آموزش را در تمامی سطوح مثبت و معنی‌دار به دست آوردند. کشورهایی که دارای سابقه توسعه آموزشی بالایی هستند، از میانگین شاخص توسعه بالاتری برخوردار هستند. بالاتر بودن سطح سواد کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای درحال توسعه با نظریه رشد درونزای رومر (۲۰۰۱) که به تأثیر آموزش و سرمایه‌گذاری در علم بر توسعه تأکید می‌کند، مطابقت دارد. نتایج پژوهش تربو و بصیرت (۱۳۹۵) بر تأثیر بلندمدت و کوتاه مدت چنین رابطه‌ای تأکید دارند. نتایج مقایسه شاخص آموزش و توسعه انسانی در تأیید نظریه‌های فوق است.

هوشمند و همکاران (۲۰۱۱) پایین بودن سرمایه‌گذاری در آموزش عمومی را از دلایل عدم رشد و توسعه کافی کشورهای درحال توسعه می‌دانند. مرکانا و سزی (۲۰۱۱) هم اختصاص هزینه‌های بیشتر در آموزش را برای توسعه در ترکیه ضروری دانسته‌اند. ژانگ و ژوانگ (۲۰۱۱) هم تأکید بر این نکته دارند که در مناطق کمتر توسعه‌یافته سرمایه‌گذاری در آموزش عمومی اثرگذاری بیشتری را در رشد و توسعه منطقه دارد. نتایج پژوهش با مطالعات گنگداگ و رامبالدی (۲۰۱۱) از این نظر که اثرگذاری آموزش عمومی یا نرخ سواد در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از کشورهای درحال توسعه است نیز مطابقت دارد. بنابراین همان‌طور که تحلیل‌های توصیفی و اکتشافی این پژوهش نشان می‌دهد شاخص آموزش یکی از عوامل حیاتی توسعه انسانی در برنامه پنجم توسعه بوده است.

بررسی عدم توازن شاخص آموزش در پارادایم توسعه انسانی بین استانهای کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه

از طرفی رفعتی (۲۰۱۸) و صامری (۲۰۱۴) معتقدند که وضعیت یا سطح اقتصادی و اجتماعی والدین بر نحوه برخورد و پیگیری فعالیتها و وضعیت آموزشی فرزندان تأثیر مستقیمی داشته و حتی عنوان شده که دانش‌آموزان با طبقات اجتماعی - اقتصادی بالاتر شانس دسترسی بیشتر و بهتری به فرصت‌های آموزشی خواهد داشت. براین اساس می‌توان گفت در مناطقی که سطح شاخص‌های فردی - خانوادگی (به‌ویژه طبقات اجتماعی - اقتصادی والدین) پایین هستند، امکان مشارکت والدین دانش‌آموزان در مباحثی که نیازمند کمک‌های مالی مرتبط با تحصیل دانش‌آموزان خواهد بود، پایین بوده و این مورد می‌تواند بر ایجاد شکاف هرچه بیشتر در نابرابری‌های آموزش تأثیر مستقیم بگذارد. به نظر می‌رسد شاخص فردی - خانوادگی به‌تنهایی تأثیر خیلی بالایی بر ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی نداشته، بلکه از طریق تأثیرگذاری عوامل دیگری از جمله شاخص‌های توسعه‌یافتگی جغرافیایی یک منطقه، دارای تأثیر بیشتری بر وجود برابری یا نابرابری دسترسی به فرصت‌های آموزشی و حتی نیل به عدالت آموزشی پایدار خواهد بود. منطقه جغرافیایی محل سکونت افراد مختلف از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر محدودیت دسترسی به فرصت‌های آموزشی بوده و به عبارتی می‌توان گفت این نوع نابرابری (توسعه جغرافیایی) یکی از چالش‌های اصلی در زمینه سیستم‌های آموزشی می‌باشد. جهت اصلاح این وضعیت، باید به سمت توزیع مناسب و متناسب منابع و امکانات سخت‌افزاری و حتی نرم‌افزاری رفت.

ضمناً اگر بحث عدالت آموزشی را محدود به محیط‌های آموزشی کنیم، می‌توان سه دسته عوامل را در آن دخیل دانست: ۱- موقعیت، منابع و امکاناتی که از طرف مسئولان نظام آموزشی تدارک دیده می‌شود مانند معلم، منابع اولیه، برنامه درسی، محیط آموزشی؛ ۲- ویژگی‌هایی که از طرف دانش‌آموزان وارد محیط آموزشی می‌شود؛ مانند زمینه اقتصادی، فرهنگی و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان؛ ۳- ویژگی‌های نامحسوس که در نتیجه برخورد متقابل همه این عوامل به وجود می‌آید؛ مانند نوع برخورد معلمان با کودکان و نوع برخورد دانش‌آموزان با یکدیگر. با بررسی تعاریف مرتبط با عدالت آموزشی می‌توان گفت یکی از تأثیرگذارترین عوامل در ایجاد توازن در مناطق کشور، دسترسی کلیه افراد جامعه به آموزش و پرورش و به‌عبارتی دیگر ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی (عدالت آموزشی) می‌باشد. یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی بهره‌مندی از آن بوده، لذا کشورهای در حال توسعه درصدد ایجاد عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر دسترسی همگان به آموزش و پرورش هستند. بر اساس آنچه گفته شد، نتایج این مقاله نشان داد که همواره استان‌های مرزی در کشور از محرومیت‌های نسبی قابل توجهی نسبت به استان تهران، البرز و استان‌های مرکزی کشور برخوردار است و این عدم توازن در توسعه انسانی منطقه ای موثر و در نتیجه یکی از عوامل موثر در مسیر طولانی توسعه کشور است. در بخش تحلیلی این پژوهش برای دستیابی به پارادایم سلسله روابط شاخص توسعه انسانی در قالب مجموعه‌ای از ارتباط‌هایی که نشان‌دهنده شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای کنش/ واکنش و پیامدها هستند، برقرار شده است شناسایی و تبیین شده است. در پاسخ به سؤال تحقیق یافته‌ها نشان می‌دهد پنج عامل موثر در عدم توازن سطح شاخص توسعه انسانی شناسایی شده است که شامل: امکانات آموزشی، امکانات بهداشتی و رفاهی، برنامه‌ریزی نامناسب، توسعه نامتوازن و فقر اقتصادی می‌باشد، بنابراین این عوامل موجب شکل‌گیری و تحقق توسعه انسانی خواهند شد.



شکل ۲- مدل پارادایمی شاخص توسعه انسانی

با توجه به نتایج به دست آمده در تحقق حاضر، پیشنهادات زیر جهت توازن سازی سطح شاخص آموزش در بین استانهای کشور و نیل به عدالت آموزشی مطرح می گردد:

- افزایش سهم دولت در آموزش و پرورش و تخصیص اعتبارات ویژه و یارانه های آموزشی به شهرستان های کمتر برخوردار و محروم در جهت جبران کمبودهای موجود آموزشی

- توجه دقیق به شاخص های توسعه یافتگی مناطق مختلف استان در جهت توزیع متناسب امکانات آموزشی، بانگاهی ویژه به مناطق محروم و کمتر برخوردار

- استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی و خیرین در امر مدرسه سازی و افزایش زیرساخت های آموزشی از جمله نوسازی مدارس و احداث مدارس جدید

- ارتقاء نیروی انسانی مورد نیاز آموزش از جمله تربیت دبیر و استاد و استقرار نظام تربیت معلم و ارتقاء صلاحیت های حرفه ای معلمان

- استفاده از آموزش های فنی و حرفه ای و مهارتی جهت توانمندسازی و شکل گیری و استقرار مستمر و مفید آموزشگاه ها و هنرستان های تولیدی، صنعتی، خدماتی و...

- دگرگونی نظام آموزش و پرورش، با تأکید بر پژوهش محور شدن تصمیم گیریها، کاهش تمرکز، مشارکت جویی و افزایش بهره وری

- استفاده از نظام ها و فناوری های نوین در نظامات آموزشی و بازنگری شیوه های ارزیابی در نظام آموزشی کشور

- افزایش سرانه فضای آموزشی و زیربنایی فضاهای آموزشی استانها با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته

- توسعه متوازن و عادلانه فضاهای آموزشی و پژوهشی با اتخاذ رویکردی آمایشی به نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی استانها

- افزایش پوشش تحصیلی و جذب افراد بازمانده از تحصیل و توجه به آموزش های غیررسمی به ویژه آموزش های زنان روستایی

- افزایش فرصت های آموزشی رایگان برای اقشار کم درآمد و متوسط جامعه

منابع

- احمدوند، محمدرحیم؛ امیری، نعمت‌الله (۱۳۸۸). گاهی به شاخص توسعه انسانی و جایگاه ایران در برخورداری از توسعه انسانی در مقایسه با سایر کشورها. ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۸۹ و ۹۰.
- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه رحمت اله رحمت پور. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تربو، الله و بصیرت، مهدی (۱۳۹۵). بررسی تأثیرگذاری هزینه‌های عمومی آموزش بر توسعه سرمایه انسانی در کشورهای گروه ۷۷ در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۱۳. مقاله ارائه شده در سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، شیراز - با همکاری مشترک دانشگاه علمی کاربردی آذین شوشتر- دانشگاه زرقان واحد پژوهش دانش‌پژوهان همایش آفرین، ۱۷۷-۱۶۰.
- سازمان برنامه و بودجه با همکاری سازمان ملل متحد (۱۳۷۸). اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲). گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۱ و نظارت بر عملکرد سه سال اول برنامه سوم توسعه. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۲ و نظارت بر عملکرد چهار سال اول برنامه سوم توسعه. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- سامری، مریم؛ حسنی، محمد؛ سید عباس زاده، میر محمد و موسوی، میر نجف (۱۳۹۴). تبیین نابرابری‌های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به‌منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی مورد شناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی. جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای ۱۴، ۱۰۵-۱۲۲.
- عسکری پور، حسین (۱۳۹۹). برآورد شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از منطق فازی. مجله علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، دوره ۱۷، شماره ۲.
- غفاری اسمعیلی، سید علی؛ حسنی، محمد؛ قلاوندی، حسن (۱۴۰۱). تحلیلی بر سطح توسعه شاخص‌های آموزشی به‌عنوان عاملی جهت ارزیابی نابرابری‌ها و نیل به عدالت آموزشی پایدار: مطالعه موردی، مناطق آموزش و پرورش استان مازندران. مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، دوره ۱۱(۲۱)، ۳۳-۵۲.

- الماسی، مجتبی و سپهیان قره بابا، اصغر (۱۳۸۸). بررسی رابطه در نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری فیزیکی با رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۴. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۳(۱۵)، ۱۵۷-۱۶۸.

- هوشمند، محمود؛ حسین نژاد، حسین؛ قزلباش اعظم (۱۳۹۲). سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تأثیر آن بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه برگزیده. آموزش عالی ایران. ۱۳۹۳؛ ۶(۱)

- نجاری، مهدی؛ حسنی، محمد (۱۳۹۷). تحلیل نابرابری فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان آذربایجان غربی). مطالعات برنامه ریزی آموزشی، دوره ۷(۱۴)، ۷۶-۹۶.

- Ahmadi, S. (2017). Explaining school inequality between high schools in Urmia and its educational strategies. PhD Thesis in Educational Management, Urmia University, Urmia.

- Barro, R. J., Jong-Wha, L. (2010). International Data on Educational Attainment: Updates and Implications unpublished, Harvard University. forthcoming in Oxford Economic Papers.

- Benos, N., & Zotou, S. (2014). Education and economic growth: Ametaregression analysis. World Development, 64: 669-689.

- Chabook, F. A; Kayhan, J; Hassani, M; Samari, M; Faizi, A. (2021). Investigating the status of faculties of Urmia University of Medical Sciences in terms of input, process and educational output and presenting an upgrade model. Journal of Nursing and Midwifery, 19 (3): 251-264.

- Darbanastaneh, A.R., Sadi, S. (2016). The evaluation and ranking of educational justice of disabled people across the countries' provinces using the Promethee model. Journal of Educational Planning Studies, 5(10): 91-112.

- EsmaeilSoorkh, J. (2006). Educational inequality and spatial inequalities in ethnic and regional dimensions (a case study of elementary school in West Azerbaijan province) in 2001-2002. Journal of Education, 23(3): 103-124.

- Ganegodage, K. R., Rambaldi, A. N. (2014). The Impact of Education Investmant on Sri Lanka Economic Growth. Economics of Education Review. 30: 1491-1502.

- GERESE (2005). Equity of the European Educational Systems, A set of indicators. European Commission, Brussels: Directorate General of Education and Culture.
- Gupta, R., Sahoo, P. (2017). HRD interventions, employee competencies and organizational effectiveness: an empirical study. *European Journal of Training and Development*. 40 (5): 345-365.
- Hassana, G. & Coorayb, A. (2015). Effects of male and female education on economic growth: Some evidence from Asia. *Journal of Asian Economics*, 36: 97-109.
- Kennedy, M. (2016). Towards a Taxonomy of System Dynamics Models of Higher Education, *Library Management*. 23 (2): 1-12.
- Kim, S. (2008). Spatial Inequality and Economic Development: Theories, facts, and policies, Working Paper (No.6), Commission on Growth and Development, Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development.
- Kim, B. W. (2015). Growth regression revisited: IV and GMM. *Global Journals Inc. (USA)*, 15: 1-15.
- Maleki, S., Shanbehpoor, F., Ekrami, N., Ghaforzadeh, M. (2014). Assessing the degree of development of Hormozgan cities in terms of educational index using numerical taxonomy method. *The Second National Conference on Sustainable Development in Geography and Planning, Architecture and Urban Planning*, Tehran.
- Mercan, M., & Seze, S. (2014). The effect of ducation expenditure on economic growth: The case of Turkey. *Social and Behavioral Sciences*, 109(10): 230-925.
- Najjari, M., Hassani, M. (2019). Analysis Inequality of Higher Education Access Opportunities (Case Study: Townships of West Azerbaijan). *Journal of Educational Planning Studies*, 7(14): 76-96.
- Nazmfar, H. Alavi, S. Eshghichaharborj, A. (2019). Analysis of spatial-educational and cultural inequalities in the macro-region of Azerbaijan. *Journal of Regional Planning Quarterly*, 8 (2): 27- 40.

- Nazmfar, H., Alibakhshi, A. (2015). Assess the spatial development of regional inequality (Case study: The Khuzestan province). *Spatial Planning*, 3(4): 99-114.
- Parsons, T. (2015). The school class as a social system: some of its functions in American society. *Harvard Educational Review* (Fall), 297-318.
- Poorsaeid, A., Esmaeili, A., Jokar, S. (2012). Determining Educational Developing Rankings in Khozestan Towns Using Numerical Taxonomy Method. *Amayesh Journal*, 5(17): 41-61. 29.province. *Journal of Social Welfare Research*. 16 (60), [in Persian].
- Rafati, R., Shahrakipoor, H., Nazem, F. (2019). Identifying Factors and Components of Educational Inequalities in Mashhad Education and Training Areas in order to Present a Desirable Model. *Journal of Educational Planning Studies*, 8(15): 56-80.
- Rahimi, M., Kakadezfoli, A., Kakadezfoli, A. (2016). Evaluation of the provinces in terms of educational development using multi-criteria decision-making techniques. *Journal of Educational Planning Studies*, 5(10): 12-29.
- Rahnemaei, M.T., Pourkhodadad, B. (2016). Determining the degree of educational development of the Guilan counties. *Geography*, 13(46): 41-62.
- Romer, P.M. (2001). "Should the Government Subsidize Supply or Demand in the Market for Scientists and Engineers?", *NBER Chapters*, in: *Innovation Policy and the Economy*, National Bureau of Economic Research, Inc.1: 221-252.
- Sakharopoulos, G. (1994). *Education for Development: An Analysis of Investment* .
- Sameri, M., Hassani, M., Seyed abbaszadeh, M.M., Mousavi, M.M. (2015). Explanation of Educational Inequality and Presenting Educational Development Model in order to Monitor and Achieving Educational Equity Case Study: Educational Districts of West Azarbaijan Province. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 5(14): 105-122.
- Samons. P. (2011). School effectiveness and equity: making connection. CFBT, education trust.

- Tesema, M. T., Braeken, J. (2018). Regional inequalities and gender differences in academic achievement as a function of educational opportunities: Evidence from Ethiopia. *International Journal of Educational Development*, 60 (1): 51 – 59.
- Vaisinab, F., Babaiiaghdam, F., Alipoor, Kh., Niazi, Ch. (2016). Evaluation and ranking of the level of educational development of the provinces of Zagros region using the Vickor multi-criteria model. *Journal of Educational Planning Studies*, 5(9): 11-29. (in Persian).
- Wang., Y. & Shasha, L. (2016). Education, human capital and economic growth: empirical research on 55 countries and regions (1960-2009). *Theoretical Economics Letter*, 347-355.
- Weru, J. W., Iravo, M. A., Maurice, S. (2017). The Relationship between Training and Development on Performance of State Owned Corporations, *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*. 3 (9): 57-75.
- Woodhall, M. (2004) Manpower planning and the demand for qualified manpower, in the planning of higher education the social demand. The open University Press. www.manchester.ac.uk www.webometrics.info
- Xiang, L. Stillwell, J. Burns, L. Heppenstall, A. (2020) Measuring and Assessing Regional Education Inequalities in China under Changing Policy Regimes. *Journal of Applied Spatial Analysis and Policy*, 13: 91–112.
- Zhang, C., & Zhuang, L. (2011). The composition of human capital and economic growth: Evidence from China using dynamic panel data analysis. *China Economic Review*, 22(1): 165-171.
- Zhang, Y., Qin, F., & Liu, J. (2019). Improving education equality and quality: Evidence from a natural experiment in China. *International Journal of Educational Development*, 70(5): 102078.

Examining the imbalance of the education index in the human development paradigm between the provinces of the country with A Focus on the Fifth Development Plan

Abstract

Background: Today's world defines development in multifaceted dimensions of economy, society and culture. The human development index, as an important part of development, is formed on the basis of factors, one of which is the education index, the balance in its distribution being one of the conditions that are conducive to development in every society.

Objective: The purpose of this research is to compare the education index among the provinces of the country and explore the factors affecting the imbalance of the level of the education index and design the paradigm of the human development index among the provinces of the country.

Method: Descriptive-comparative analysis of the education index and the human development index among the provinces of the country and using the exploratory method, qualitative data obtained from interviews were analyzed using the grounded theory method and Maxqda software, and coding was carried out to achieve the paradigm of the imbalance of the level of the human development index.

Findings: Studies show that the education index is an effective and fundamental factor in achieving human development and ultimately the development of the country, and there is no balance in the distribution of the education index among the provinces of the country. Finally, five factors of imbalance in the human development index have been identified, including: educational facilities, health and welfare facilities, inappropriate planning, unbalanced development, and economic poverty. Therefore, these factors will lead to the formation and realization of human development.

Results: The imbalance in the distribution of education indicators as a fundamental factor of human development among the provinces of the country is considered one of the major obstacles to development. The class-based nature of the education index should be removed and a balance should be established in the access of the members of society to the education and human development index.

Keywords: Human Development Index, Education Index, Imbalance, Fifth Development Plan, Educational Justice.